



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۴ برابر ۱۹ اوت ۱۹۸۵
شماره ۶۰۰ - سال دوم - شماره ۷

دیگر جنبه‌های گزینش برای رژیم اهمیت دارد. از ۴۴۰ هزار دیپلمه داوطلب که در کنکور سراسری شرکت کرده‌اند، تنها در حدود ۴۰ هزار نفر پذیرفته خواهند شد. ۹۰ درصد بقیه تکلیفشان از هم اکنون روشن است آنها به صف بیکاران خواهند پیوست و یا به جبهه‌های جنگ کشانده خواهند شد. از میان ۴۰ هزار پذیرفته شده، بخش مهمی را سهمیه نهادهایی چون سپاه، بسیج، کمیته‌ها، بنیاد شهید و دیگر نورچشمی‌های رژیم تشکیل می‌دهند. از کل سهمیه پذیرش دانشگاه‌ها تنها رقم محدودی به کسانی داده شده که به نهادهای حکومتی وابسته نیستند و این بقیه در صفحه ۷

نتایج آزمون سراسری که در تاریخ ششم تیر ماه برگزار گردیده تاکنون اعلام نشده است. اواخر نیمه اول مرداد ماه دبیر شورای مرکزی گزینش دانشجوی، علی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان درباره علت تاخیر اعلام نتایج کنکور سراسری توضیح داد که به دلیل ناماهنگی بین به اصطلاح مسئولین گزینش علمی، اخلاقی و امنیتی آزمون سراسری، شورای مرکزی گزینش قادر نیست تاریخ دقیق اعلام نتایج را ذکر کند. وی در این مصاحبه ضمن تاکید بر ضرورت سختگیری در تحقیقات در باره پذیرفته شدگان گفت که تحقیق در مورد داوطلبان بیش از

گفتگوی "اکثریت" با دو تن از رهبران جنبش جهانی صلح

اینک جنبش جهانی صلح اوج تازه‌ای می‌یابد. ابراز نفرت جهانیان از جنگ و ویرانی که بازتاب خویش را در برگذاشت با شوه چهلین سالگرد پیروزی بر فاشیسم یافت و ابراز انزجار میلیون‌ها انسان صلح‌دوست و آزاد اندیش جهان در ماه جاری نسبت به بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، در سالگرد این جنایت عظیم امپریالیست‌های آمریکائی، و فریاد رسی صلح خواهی نمایندگان ده‌ها و صدها میلیون جوان سراسر جهان در جشنواره مسکو، نشانه‌هایی از این موج نیرومند است. مناسب دیدیم که در این عرصه گفتگوهای با شخصیت‌های برجسته جنبش جهانی صلح داشته باشیم.

گفتگو با "گوردون شیفر" عضو شورای جهانی صلح

را تغییر دهد. بعنوان مثال در خود آلمان غربی جنبش صلح بسیار گسترده است. در یونان چندی پیش راهپیمایی‌های عظیمی برای صلح وجود داشته است. از طرف دیگر مسئله مبارزه و مقاومت علیه سیاستهای آمریکا در آمریکای جنوبی، بالاحص مبارزه و مقاومت درخشان مردم نیکاراگوئه در مقابل سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا مطرح است. تمام این حقایق نشان می‌دهد که مبارزه گسترده‌ای در جهت انزوای تهاجمات متمرکز جنگ طلبانه وجود دارد. ولی در حال حاضر شرایط و اوضاع جهان

آقای "گوردون شیفر" عضو شورای جهانی صلح و دبیر انجمن صلح بریتانیا در گفتگو با خبرنگار "اکثریت" به توضیح مسائل کنونی در ارتباط با صلح جهانی پرداخت. وی در مورد جنبش فزاینده صلح در اروپا اظهار داشت:

"در حال حاضر بررسی اوضاع جهان نشان می‌دهد که ما در شرایط خطرناکی هستیم. در آمریکا، انگلستان و آلمان غربی ارتجاعی‌ترین دولت‌ها بر سر کار هستند. در عین حال در جهان جنبش صلح و مبارزه علیه گرایشات جنگ طلبانه نیز قوام می‌یابد و می‌تواند این شرایط خطرناک

پایان نمایش انتخاباتی، آغاز درگیری‌های تازه

کاندیداهای ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان بر نمی‌گردد باید توجه داشت شورای نگهبان، نهادی مهم از نظامی است که دست به دست کشتن قدرت در میان پاره‌های آن، بر طبق قوانین داخلی حیات خود این نظام صورت می‌گیرد. برای روشن شدن موضوع لازم است به یک ویژگی مهم این نظام از زاویه درگیری‌ها و وکنش و واکنش‌های درونی آن توجه داشته باشیم. حاکمیت‌هایی همچون حاکمیت جمهوری اسلامی - بویژه اگر پس از یک انقلاب توده‌ای عظیم بر سر کار آمده باشند - این خصلت را دارند که سیاستمداران و دولتمردان "سنتی" را به کنار می‌نهند و چهره‌های جدیدی را وارد عرصه قدرت می‌کنند. اگر چه این باشد، توهم آفرینی میسر نخواهد بود. اما وقتی رژیم جدید، به حد کافی "بوروکراتیزه" شد، دیگر صاحب دولتمردان و سیاستمداران "سنتی" خود است و از این پس به سختی می‌تواند چهره‌های جدیدی را بسازد و بر روی صحنه قدرت به نمایش بقیه در صفحه ۲

نمایش انتخابات ریاست جمهوری در روز جمعه هفته گذشته، به پایان رسید. فتوای مکرر صادر شد، نهیدها و عوامفریبی‌های همیشگی تکرار و تکرار شد و نمایشی برپا گردید که از همیشه تماشایی‌تری داشت. پایان این نمایش از هم اکنون معلوم است و در واقع از آغاز آن مشخص بود: فامنه‌ای چهار سال دیگر بر مسند ریاست جمهوری اسلامی تکیه خواهد کرد.

حول انتخابات ریاست جمهوری، ظاهراً جبهه‌بندی‌ها و ستاره‌های پرنمودی در درون حاکمیت شکل گرفت. ظاهراً رقابت‌های انتخاباتی جدی نبودند و ستاره‌بندی‌ها فضای التهاب‌آور و شش‌آمیزی ایجاد نمی‌کردند. این در حالی است که اختلافات حاد درون حاکمیت به همان شدت گذشته بر جای مانده است و حتی خود حاکمیت نیز اینجا و آنجا صراحتاً بدان اذعان

نمود نیافتن دسته بندی‌های رصه قدرت، صرفاً به حذف ۴۷ نفر از

فکاهی تکراری

ارگان امنیتی جی‌ها در مقاله ماره ۱۵ مرداد خود می‌نویسد: "این بار مساله جدی بود." شاید این فاله‌های سلطنت طلب از این نظر عوت رضا پهلوی و شورای مشروطیت ربار-امینی به تفرج خیابانی در روز مع ۱۱ مرداد را "جدی" توصیف رده اند که یک فکاهی آبکی تکراری رزش خندیدن را هم ندارد. تفرج خیابانی، ابتکار ختیارچی‌ماست. آنها در ۲۷ دی‌بهشت اسال یک تفرج تتمدنانه و "اتوموبیل سوارانه" یلی "شجاعانه" در تهران به راه داختند. بقیه در صفحه ۲

"پاسخ" سفیر جمهوری اسلامی به اعتراض

دیپلک اتحادیه ضد فاشیستهای آلمان فدرال در مورد قتل رفیق مؤذنی پور

صابر

شاعری از قفقاز در انقلاب مشروطیت

انقلاب مشروطیت در ماه مرداد ۷۹ ساله شد. به همین مناسبت ما در شماره ۶۸ این نشریه نقش زنان را در این انقلاب مورد بررسی قرار دادیم. در این شماره به زندگی مبارزاتی شاعری نظری می‌افکنیم که نقش برجسته‌ای در کسترش امواج انقلاب مشروطیت ایفا کرد. اومیرزا علی اکبر طاهرزاده صابر است که در نه خرداد ۱۲۴۱ شمسی در "شماخی" شیروان در جنوبی‌ترین نقطه قفقاز و نزدیک مرز ایران، دیده به جهان گشود. "صابر" در ۱۲ سالگی به مدرسه‌ای که توسط انجمن ایالتی باکو، تاسیس شده بود، بقیه در صفحه ۸

بنام (ساری)، برای شخصیت‌های مهمی که به جنایات رژیم ضد بشری خمینی اعتراض کرده و مراتب را کتبا به سفارت اطلاع می‌دهند، متن چاپ شده‌ای را امضا کرده و می‌فرستد. یک نسخه از این متن را اخیراً کورت اربلای، دبیر کل "جمعیت تعقیب شدگان رژیم نازی - اتحادیه ضد فاشیستها" دریافت کرد. این متن "پاسخ" رژیم خمینی به نامه‌ای بود که کورت اربلای در اعتراض به قتل رفیق قربانعلی مؤذنی پور عضو مشاور کمیته بقیه در صفحه ۲

در سالهای اخیر معمول‌ترین و رایج‌ترین شیوه برخورد نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور به اعتراضات فزاینده احزاب، سازمانها و شخصیت‌های بشر دوست و ترقیخواه علیه شکنجه و کشتار بهترین فرزندان مردم ایران، سکوت و یا حتی گستاخی و توهین بوده است. اما مواردی نیز وجود دارد که نظر به اعتبار و وزن شخصیت یا سازمان معترض، نماینده جمهوری اسلامی خود را ناگزیر به پاسخی می‌بیند. اخیراً سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال (مزدوری

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

پایان نمایش انتخاباتی، آغاز درگیری های تازه

بقیه از صفحه اول

بگذارد. حتی روند معکوسی طی می شود. همگام با روند بوروکراتیزاسیون، زیاده خواهان و غیر خودیها طرد می شوند و "الیت" (جمع نخبگان حاکم) جمع و جورتر می شود. عناصر این "الیت" نیز همگام با این روند رده بندی می شوند و هرکس در مدار معینی قرار می گیرد. تنها درجات معینی از تکانهای اجتماعی باز تولید شده در کل محیط قدرت می تواند این عناصر را جابجا کند و آنها را از یک مدار به مدار دیگر بفرستد. طبیعتاً این رده بندی به تدریج آنچنان استحکامی می یابد که قربانی شدن مهره های مدارهای بالاتر به سختی میسر می گردد و درگیریها در عرصه قدرت عمدتاً بر روی جابجایی مهره ها در رده های دوم و سوم و پائین تر نمود می یابد. بالا ظاهراً یکپارچه است و پائین دستخوش تفرقه و تضاد. بالایی ها با "نژاکت" و سر پوشیده از اختلاف فایشان سخن می گویند ولی پائینی ها یکدیگر را می درند و می بیلند. ظاهراً مدار اینجا با دو پدیده متضاد روبرو هستیم. اما باید توجه داشت که این هر دو پدیده از یک ماهیت نشأت گرفته اند. بالایی ها تا جایی که میسر باشد از پائین یکدیگر را می زنند. اما در بالا ناچارند یکدیگر را تحمل کنند و صرفاً تا حد معینی به عریان شدن تضادها میدان دهند. عریان شدن بیشتر تضادها در بالا می تواند موجودیت نظام را به خطر اندازد. در نمونه جمهوری اسلامی وجود فاکتور نیرومندی به اسم خمینی در مرکز قدرت و این که به موضوع درکانون قدرت بودن او به عنوان پدیده ای مقدر برخورد می شود، در جلوگیری از عریان شدن تضادها در مدار اول تاثیر تعیین کننده دارد. از اینروست که در رژیم خمینی نمی بایست انتظار داشت که بدون تکان های شدیدی اجتماعی - در وضعیت فعلی - حول مسائلی همچون انتخابات ریاست جمهوری اختلافات کاملاً عریان شده و احیاناً به جابجایی مهره های اصلی بیانجامد. جامه ریاست جمهوری اسلامی تنها "براندازه" افراد معدود معینی است. مسلماً این موضوع را مثلاً آقای

عسکراولادی مسلمان می دانسته و هیچ خیال خامی را برای کاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری در سر نپرورانده است.

اما اختلافاتی که در هفته های اخیر بر سر انتخابات ریاست جمهوری نموده های برجسته ای نپافته اند، بر سر جای خود هستند و قریباً بر سر انتصاب نخست وزیر آینده اثر خود را نمایان - خواهند ساخت. این یک مدار، پائین تر است و به دلیل دورتر بودن از جاذبه مرکز و حساسیت موضوع، باید انتظار یک انقباض شدید حول آن را داشت. بنابراین پایان نمایش انتخابات ریاست جمهوری، آغاز دور تازه ای از درگیریهای پیشین است تا کنون اختلافات بر سر بسیاری از مسائل بصورت موقت مسکوت گذاشته شده بودند. از یک سال پیش پر شدن جاهای خالی در کابینه محول به حل اختلافات در حول پست نخست وزیری گشته است. در این عرصه، بازار و قشری ترین و راست ترین سرکردگان مرتجع حوزه علمیه خواهان نقش مستقیم و یازم نیرومندتری هستند. شورای نگهبان بیهوده حکم نداد که رئیس جمهور جدید از نو باید نخست وزیر و کابینه را به مجلس معرفی کند، عسکراولادی بیهوده خود را مطرح ساخت و آیت الله کلپایگانی در هنگام دادن رای در روز جمعه بیهوده این سخنان را ایراد نکرد که "امیدوارم رئیس جمهوری که انتخاب می شود، دولتی را بر سر کار بیاورد که آن دولت، اسلامیت این جمهوری را بر ندارد."

از سوی دیگر نباید از یاد برد که در همین ماه گذشته بود که حسین موسوی بر حمایت مکرر خمینی از کابینه اش تاکید کرد. او با این اظهارات به مخالفین یادآوری کرد باندی که او به آن وابسته است قصد ندارد این مواضع را تسلیم نماید.

بدین ترتیب حتی پیش از آنکه رسماً نتیجه از پیش معلوم انتخابات ریاست جمهوری اعلام شود، باند های درونی میات حاکم رژیم جمهوری اسلامی همه امکانات را برای دنبال کردن مخاصمه در مدار پائین تر به کار گرفته اند.

فکاهی تکراری

بقیه از صفحه اول

در آن هنگام امینوسی چی ها به بختیار حمله کردند که "تکروی" می کنند و دست به اقدامات "خطرناک" می زنند.

بالاخره چون حسادت و رقابت در بلاغت، امینی چی ها را هم وادار به دست زدن به اقدامات خطرناک کرد. ایام اینها نگرفت. زیرا رسانه های امپریالیستی لطفی را که در ماه اردیبهشت نسبت به شاپورخان بختیار، آخرین نخست وزیر شاه نشان داده بودند، این بار از علی امینی، نخست وزیر سابق شاه دریغ کردند. در مورد ترافیک تکروانه مرغک توفان" خبرگزاریهای امپریالیستی و رادیوهای لندن و آمریکا و اسرائیل، سر و صدای زیادی راه انداخته بودند. اما برای تفرج خیابانی اخیر سنگ تمام نگذاشتند. علت چیزی جز ملال آور بودن این فکاهی تکراری نبود. رسانه های خبری امپریالیستی بر خلاف ورق پاره های شاهپرستان به تجربه پی برده اند که برخی دروغها را باید مرتب تکرار کرد و برخی را مثلاً سالی یک بار، بیشتر از این نتیجه عکس می دهد. همین مصلحت اندیشی تبلیغاتی، امینی چی ها را دچار بدشانسی کرده و کفشان ساخت.

ارکان امینی چی ها که به زور کلمات خواسته است این فکاهی تکراری ضد انقلاب خارج کشور را "مهم" و "جدی" جا بزنند، در مورد آرام و مسالمت آمیز بودن این تفرج کلی داد سخن داده است. آیا بکارگیری این روشهای مسالمت جوینانه و شیوه بی خطر و تفریحی ترافیک و تفرج خیابانی که جای دروغ

پراکنی از ۵۰۰ هزار تا چند میلیون نفر را باز می کند، دلالت بر این دارد که برآستی ضد انقلاب شاهپرست بی خطر شده است و جدی نیست و آه تنها به همین حرکات و دعاوی مضحک تکراری بسنده کرده است؟ مسلماً نه البته این واقعیتی است که آن طبقه که شاهپرستان آن را نمایندگی می کنند، طبقه ای است بغایت جبون فاسد، نوکر صفت و کوتاه بین. اما در جا که توانسته اند (و در کشور چندین بار) نشان داده اند که به مهار اندازه نیز وحشی، سفاک و قاطع هستند. همین رضا نیم پهلوی ها بختیارها و امینی ها ای که اکنون ا قبل خیانتها و جنایتها و آزاده کشی های رژیم خمینی "آزادیخواه" شده اند و نیز آن اتومبیل سوارهای "متمدن" و لیخنند بر لبی که به دعوت آنها (و احیاناً با ترس و لرز) از میدان ونک تهران پائین می آیند دوباره به زعفرانیه و نیواران باز می گردند، فقط مترصد آن هستند که فرصتی برسد تا چنان حمام خونی به راه اندازند که آن سرش ناپید باشد برای آنها در رژیم جمهوری اسلامی امیدواریهای بسیاری هست اما در یک حاکمیت مردمی همه امیدهایشان بر باد می رود. از این روبرو آب و آتش و ب سیم آخر خواهند زد. به این خاطر است که به رغم این حرکات مسخره در ماندگی و پوسیدگی ضد انقلاب مغلوب، نباید خطر آنان را از یاد برد. گسترش جنبش خلق بی طاقتشار کرده است.

ناباید از یاد برد که همین طبقه جبون و انگل کوتاه بین در عوامفریبی بسیار زیرک و هشیار است. اگر فرصت بیاید در کشتار نیز بسیار "شجاع" و بی محابا خواهد بود.

"این خارجی ها باید بروند نه ما!"



ایران حضور فعالی داشتند. عکس فوق گوشه ای از مراسم مزبور را نشان می دهد. در پلاکارد بالا در پاسخ به شعار فاشیست ها که شعار اخراج خارجی ها را می دهند با اشاره به موشکهای آمریکایی نوشته شده است: این خارجی ها باید بیرون بروند نه ما!

مراسم یاد بود چهلمین سالگرد بمباران هیروشیما در کشورهای و شهرهای مختلف برگزار گردید. در شهر برمن آلمان فدرال نیز مراسم یادبود قربانیان این جنایت امپریالیسم آمریکا بر پا شد. در این مراسم نیروهای خارجی منجمه فدائیان خلق

مرگ شیمیایی، ارمغان انحصارات غرب برای ایران و عراق

موضوع منبع و نابودی سلاحهای شیمیایی، جز "لاینگک بحثها و تعالیههای مربوط به خلع سلاح در عرصه بین المللی است. در این زمینه نیز، بی دهها سال دو خط مشی در جهان قابل مشاهده بوده است: در یک سو خط مشی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی که پیشنهادهای مکرری برای توافق های دو جانبه و چند جانبه بمنظور نابودی این سلاحهای ضد بشری ارائه کرده اند، و در سوی دیگر شی آمریکا و متحدان ناتوی اش که نه تنها این پیشنهاد را داثا رد کرده اند، بلکه پیوسته تولید و استقرار سلاحهای شیمیایی و فروش آن به کشورهای دیگر را افزایش داده اند.

در جنگ ایران و عراق تاکنون چند بار از سلاحهای شیمیایی استفاده شده است. علیرغم تشبیهات ردیبلانه رتجایی ترین محافل غرب و سران جمهوری اسلامی برای براه انداختن تبلیغات ضد شوروی در این رابطه، هر بار دلایل انکارناپذیری حاکی از تعویل سلاحهای شیمیایی توسط کشورهای غربی به طرفین جنگ ارائه گردیده است. بعنوان نمونه، باید زاین واقعیت نام برد که کارخانه تولید کننده سلاحهای شیمیایی در نزدیکی بغداد، با کمک شرکت های آلمان فدرال ساخته شده است. آمریکا، انگلستان و سایر کشورهای ناتوی نیز به نوبه خود در ارائه "ارمغان" ی بنام مرگ شیمیایی به مردم ایران و عراق سهم بوده اند. عراق تاکنون چند بار از این ملاحها استفاده کرده و سران رژیم

خیمینی هم رسا اعلام داشته اند که از این سلاح ضد بشری استفاده خواهند کرد. کمونیست ها و سایر نیروهای مترقی کشورهای سرمایه داری که همواره علیه سلاحهای شیمیایی مبارزه کرده اند، درباره شرکت کشورهای امپریالیستی در تامین سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق دست به افشاگریهایی زده اند که مقاله زیر از "نورشن فلان" ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد از آن جمله است.

خطر جنگ شیمیایی در خاورمیانه

شرکتهای اروپائی سرگرم احداث کارخانجات گازهای سمی در عراق و ایران هستند. بدلیل عدم موفقیت کشورهای دیگر در جلوگیری از گازهای سمی توسط عراق و استفاده از آن در جنگ با ایران، خطر توسل به سلاح های شیمیایی در مناقشات آینده در خاورمیانه افزایش یافته است.

گام بعدی در اشاعه استفاده هر چه بیشتر از سلاح های شیمیایی، هم اکنون از طرف ایران برداشته شده است. ایران در کارخانه کود شیمیایی مرودشت - واقع در جاده تخت جمشید - شیراز - در حال تولید گاز سمی خردل می باشد. بنابه اظهار یک منبع بسیار مطلع ایرانی، این کشور هم اکنون مقادیر متنابهی از این گاز را تولید و آزمایش نموده و آماده استفاده از آن بر علیه عراق است. دفع این خطر جدی

در صورت روی آور شدن طرفین به جنگ شیمیایی و انبار کردن حجم بزرگی از این نوع سلاح ها، دشوارتر خواهد گردید.

بیش از یکسال قبل، عراق استفاده از سلاح های شیمیایی در جبهه ها را آغاز نمود. در ماه مارس امسال منطقه باتلاقی شال بصره با موشک و خمپاره و بمب های حامل گازهای سمی مورد حمله این کشور قرار گرفت. بر مبنای گزارشهایی که هنوز تأیید نگردیده اند، مواضع ایران هم چنین در ماه آوریل نیز مورد حمله شیمیایی قرار گرفت. تعدادی ایرانی بمنظور معالجه جراحات ناشی از سلاح های شیمیایی در بیمارستانهای کشورهای اروپائی بستری هستند. بخشی از این سلاح های شیمیایی طبق قرارداد های بین المللی ممنوع است. یک هواپیمایی اف - ۴ ایرانی در اواخر ماه مارس سال جاری موفق گردید به حریم فضائی عراق نفوذ

نموده و تاسیسات یک مجتمع را مورد هجوم قرار دهد. در این تاسیسات که بمنظور تولید مواد سمی دفع آفات ایجاد گردیده است، در حال حاضر مواد شیمیائی جنگی تولید می شود. اما بمب های این هواپیما در محوطه باز اطراف کارخانه افتاد و خسارتی به بار نیاورد. عراقی ها سخنی از این حمله ناموفق ایران بمیان نیاورده اند و در باره آن سکوت اختیار کرده اند. شرکت های انگلیسی و آلمانی این تاسیسات را در اواسط دهه هفتاد برای تولید سوم دفع آفات کشاورزی بنا کردند. اما برای عراقی ها دشوار

نبوده است که با کمک متخصصین آلمان غربی، از مواد اولیه سوم دفع آفات، برای تولید گاز خردل و نیز گازهای سمی اعصاب موسوم به "تائون" و "سارین" استفاده نمایند.

تاسیسات مزبور بنام "اس-ا-ا-ب" بساحت قریب ده کیلومتر مربع در جنوب جاده بغداد - سامره و در نزدیکی کانالی که رودخانه عرفه را به دریایچه تار تار متصل می کند، واقع شده است. تشکیلات، تجهیزات و مواد اولیه آنرا دو شرکت آلمانی تامین کرده اند. ساختمانهای آنرا شرکت هربرگر بنا نموده است که هنوز هم در حال ساختن ساختمانهای جدید جنبی می باشد. تهیه تجهیزات و مواد شیمیایی اولیه توسط شرکت کارل کولب و شرکت های تابعه آن انجام می گیرد. مواد اولیه این کارخانجات از نقاط مختلف اروپا، عمدتاً از آلمان غربی، وارد می شود. یک شرکت هلندی بنام کاب-ب-اس واقع در ترنویتسن نیز اخیراً به این جمع پیوسته است و ماشین آلات و مواد اولیه را تامین می کند. بخشی از سلاح هایی که برای پخش این گازها مورد استفاده قرار می گیرد - مانند موشک و خمپاره - از شرکت ایتالیایی "ب-ب-د کولی" فروخته می شود. شرکت اسکپال در اسپانیا نیز بمب های مخصوص این مواد را برای بمباران شیمیایی با هواپیما - به عراق وارد می کند. یک کمیسیون که از سوی سازمان ملل متحد و در پی شکایت ایران مبنی بر استفاده عراق از این نوع سلاح ها به ایران فرستاده شد، بمب های منفجر شده ای از نوع اسپانیائی فوق الذکر که با گاز خردل بقیه در صفحه ۱۰

"باسخ" سفیر جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ارسال داشته بود. کورت ارلباخ در این نامه خطاب به سفیر جمهوری اسلامی نوشته بود: "این امر ما را آنگاه می دهد که به نظام شکنجه و کشتار در کشور شما هنوز پایان داده نشده و به ویژه آندسته از فرزندان مردم هدف آندکه میهن پرستی خود را در بیکار علیه رژیم محمدرضا شاه به اثبات رسانده اند. ما به شدیدترین وجه نسبت به ادامه نقض حقوق بشر در ایران اعتراض نموده و از شما می خواهیم این اعتراض را به اطلاع دولت متبوع خود برسانید. شکنجه و اعدام وحشیانه میهن پرستان ایران

فدائیان اسیر، در خطر اعدام

نشریه "لند و فالک" ارگان لب کمونیست دانمارک در شماره ۶ ثوست خود خطر اعدام چهار تن از ضای رهبری سازمان فدائیان خلق را زتاب داده است. نشریه مزبور با مدار مورد این خطر می نویسد:

"چهار عضو رهبری فدائیان ملق... به اعدام محکوم شده اند. کم اعدام این چهار نفر، به همراه کم محکومیت تعدادی از اعضای مهربی حزب توده ایران، برای تأیید شورای عالی قضایی ارسال شده است.

این چهار نفر در زمان حمله رژیم به فدائیان و توده ایها، سه سال شته دستگیر و زندانی شده بودند."

فاشیتها نشان می دهد که حکام جمهوری اسلامی نمی توانند برای همیشه در برابر اعتراضات گسترده محافل ترقیخواه نسبت به جنایات این رژیم سکوت اختیار کنند. آنها سعی مذبوحانه ای برای توجیه اعمال ننگین خود به عمل می آورند. اما تلاش این مزدوران به همان اندازه که مضحک است، افشاگر نیز هست. مثلاً سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال، با سکوت در رابطه با مضمون اصلی اعتراضنامه اتحادیه ضد فاشیت های آلمان فدرال، یعنی شهادت رفیق مودنی پور عملاً به قتل این رفیق توسط حکومت اوین، اعتراف کرده است. در حالیکه ارگانهای سرکوب در کشور هنوز از اعلام شهادت وی خودداری کرده اند.

باید پایان یابد. " نامه سفیر خیمینی در نوع خود جالب است. از آن حیث جانب است که نماینده فرومایه یک حکومت قرون وسطایی، ژست "دفاع از قانون" به خود میگیرد!

"جوابیه" جناب سفیر هیچ ربطی به نامه اتحادیه ضد فاشیستی و مشروع اصلی آن یعنی شهادت رفیق مودنی پور ندارد. بخش اعظم متن سفارت، گویی نه درباره ایران امروز، که درباره کثیری است که حاکمیت قانون در آن جاری است و مسئولین دولتی آن برگزیده مردمند!

اما صرف نظر از مهمل بافی های سفیر بیمایه جمهوری اسلامی، واکنش او نسبت به نامه اعتراضی اتحادیه ضد

عملیات عاشور و حمله عراق به جزیره خارک

در آستانه برگزاری نمایش انتخابات رئیس جمهوری، رژیم تبلیغات زیادی حول دو شبیخون به داخل خاک عراق، راه انداخت. در شبیخون اول که "عاشورای ۲" نام داشت، جمهوری اسلامی ادعا کرد در شب ۵ شنبه ۲۴ مرداد چند ارتفاع مهم در منطقه چنگوله واقع در جنوب مهران را تصرف کرده و ۵۰۰ سرباز عراقی را کشته و زخمی ساخته است. شبیخون "عاشورای ۳" بنابر اطلاعیه جمهوری اسلامی در شمال فکه و در ساعت ۲ بعد از نیمه شب روز جمعه ۲۵ مرداد به اجرا درآمد. رژیم تعداد زخمی و کشته شده های عراق را ۶۵۰ نفر ذکر کرد. عراق نیز به نوبه خود این عملیات را دفع شده اعلام نمود و از جمله اعلام کرد که در روز ۵ شنبه ۲۰ نفر و در روز جمعه ۸۰ نفر را کشته و زخمی ساخته است.

در روز ۵ شنبه هفته گذشته عراق حمله هوایی مهمی را به جزیره نفتی خارک صورت داد. رژیم عراق مدعی شده است در جریان این حمله تمام جزیره را به آتش کشیده است. جمهوری اسلامی در این مورد هیچ خبری را ذکر نکرد. برخی خبرگزاریها ادعاهای عراق

نمایش انتخابات رئیس جمهوری پایان یافت

روز جمعه ۲۵ مرداد، نمایش انتخابات رئیس جمهوری پایان یافت. مطابق با ارقام اعلام شده تا عصر روز یکشنبه ۲۷ مرداد از مجموع ۱۴۲۰۰۲۹۷ رأی "خوانده شده خامنه ای ۱۲۱۶۴۲۶۶ (محمودی کاشانی ۱۲۸۸۴۵) و عسکر اولادی ۸۳۶۶۳، رأی "آورده است. میزان آرای باطله در میان این تعداد رأی "خوانده شده ۲۵۴۴۵۶ اعلام شده است

بنابر این همانگونه که از پیش مشخص بود، خامنه ای مجدداً بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد. طبق معمول با نزدیکتر شدن روز انتخابات، های و هو و تبلیغات رژیم حول این مساله بالا گرفت. همه مقامات درجه اول رژیم در این مورد بیانییه و فتوا صادر کردند. از جمله منتظری در این مورد گفت: "اگر کسی اشکالی یا اعتراضی داشته باشد، این مساله واضحی است و مساله اصل نظام چیز دیگری است. اگر کسی ناراضی هم باشد، شرکت کند." این نحوه تبلیغ بر روی انتخابات در پیام موسوی اردبیلی نیز تکرار شد. وی نیز از "ناراضی" ها خواست که در انتخابات شرکت داشته باشند. این نخستین باری بود که مسئولین رژیم با این لحن مردم را به پای صندوقهای رأی سازی فرا می خواندند.

امامی کاشانی عضو شورای نگهبان و دبیر هیات مرکزی نظارت بر انتخابات در مصاحبه روز سه شنبه ۲۲ مرداد خود در مقابل این سؤال که آیا "دادن رأی سفید از نظر شرعی کافی است" فتوا داد: "رأی سفید مغایر با انتخاب است. این نظر امام نیست. امام به یک شخص رأی می دهد، شام باید به یک شخص رأی بدهد. این توطئه دشمنان اسلام است. البته آزاد است. اجبار نیست که شرکت کنید. اما نظر شریف امام را اگر کسی بخواهد تامین کند با رأی سفید نمی شود." گنجاندن این سؤال در مصاحبه امامی کاشانی مسلماً امری اتفاقی نبوده است. در همین مصاحبه امامی کاشانی در پاسخ به این سؤال که آیا انتخاب ۳ نفر از میان ۵۰ نفر کاندیدا از سوی شورای

را به شکل تعدیل شده، تایید کرده و از جمله به نقل از سرنشینان کشتی هایی که در هنگام حمله محل حضور داشته اند، گفته اند یکی از سه اسکله ترمینال نفتی خارک به کلی منهدم شده و خسارات بسیار سنگینی به تاسیسات این جزیره که مهمترین ترمینال نفتی ایران است، وارد شده است.

در یک قلم ۲ تن ماری جوانا!

قاچاق مواد مخدر و گسترش اعتیاد به شکلی افسار گسیخته، جامعه را با یک فاجعه هولناک مواجه ساخته است. حتی از طریق آمارهای دولتی که گوشه کوچکی از این فاجعه را بر ملا می سازند، می توان به ابعاد این مساله مهم پی برد. مساله ای که نتایج اجتماعی، اقتصادی و روانی حاکمیت جمهوری اسلامی، ارکانهای انتظامی رژیم و ضد انقلابیون افغانی نقش اصلی را در دامن زدن بر آن به عهده دارند.

دیگر کار به جایی رسیده است که در صفحه حوادث روزنامه ها عمدتاً با واحد تن، مقدار مواد مخدر مشکوفه بیان می شود. به عنوان نمونه کیهان ۵ شنبه ۱۷ مرداد خبر از کشف ۲ تن ماری جوانا از ۵

تنهیان مغایر آزادی است" گفت: "در همه جای دنیا این طور است. در اینجا یک فیلتر اسلامی عمل می کند. شورای نگهبان، معیارهای اسلامی مورد قبول مردم را اعمال می کند."

خامنه ای در سخنرانی های تبلیغاتی خود در روزهای منتهی به انتخابات بر روی باصطلاح پیشرفت هایی که در دوران چهار سال ریاست جمهوری وی نصیب رژیم شده است تکیه داشت. او در این سخنرانی ها مدعی اتفاق نظر در میان مسئولین رژیم بود و از برخورد مشخص با مسائل مهم گریزانگیر رژیم خودداری ورزید. عسکر اولادی در تبلیغات خود اختلافاتش را با موسوی نخست وزیر عیان ساخت و تلویحاً گفت اگر رئیس جمهور شود دولت دیتری بر سر کار خواهد آورد. این موضوعی بود که خامنه ای در تبلیغات خود اصلاً به آن نپرداخت. تاکید کاشانی در سخنرانی های تبلیغاتی بر روی "تخصص" هایش بود و این موضوع را به رخ می کشید که علاوه بر این که پسر آیت الله کاشانی مشهور است، تحصیلات عالیه دارد و سه زبان می داند. در پوسته های تبلیغاتی او بر روی "حاکمیت قانون"، "ثبات و امنیت قضایی"، "ایجاد تحول در وضعیت اقتصادی" و "انتخاب یک نخست وزیر شایسته" تکیه شده بود.

اکثر نهادهای رژیم و نیز انجمن های اسلامی از جمله انجمن اسلامی بازار و انجمن های اسلامی دانشجویان مسلمان در انتخابات رسماً جانب خامنه ای را گرفته بودند.

در روز انتخابات، کنترل امنیتی شدیدی بویژه در تهران برقرار شد. رفت و آمد موتورسیکلتها و پارک کردن اتومبیل در اطراف حوزه های رأی گیری ممنوع اعلام شد. مطابق معمول در روز انتخابات رژیم به حیل هایی همچون افزودن بر ساعات رأی گیری متوسل گردید. رادیو و تلویزیون نیز تبلیغات شدیدی به راه انداخته بودند تا موضوع را "جی" جلوه دهند.

قاچاقچی افغانی و ایرانی در فیروز آباد فار، می دهد. این گونه خبرها آنقدر در روزنامه ها، رژه پیش پا افتاده، بی اهمیت و تکراری هستند که کیهان تنها چهار جمله را به ذکر آن اختصاص داده است.

تخلیه مدارس، همچنان ادامه دارد

برای مدارس استیجاری، پی در پی حکم تخلیه صادر می شود و مالکان آنها حتی بدون اعلام قبلی مدارس هجوم می آورند و میز و نیمکت ها و اسباب اثاثه و پرونده های موجود در آنها را به میان خیابا می ریزند.

آخرین نمونه تخلیه مدارس استیجاری، تخلیه دو مدرسه در خیابانهای زنجان و بهبودی تهران است. با تخلیه این ۲ مدرسه جمعا ۱۲۰۰ دانش آموز آواره و سرگردان شده اند.

کیهان ۱۷ مرداد از قول مدیر یکی از این مدارس، مدرسه شهید فهمیده که در هنگام تخلیه در مدرسه حضور داشته است می نویسد در این مدرسه پیش از ۷۰۰ دانش آموز دختر در دو نوبت صبح و عصر در سال گذشته، مشغول تحصیل بودند و امسال نیز طبق روال سالهای گذشته در روزهای تعیین شده ثبت نام به عم می آمد و افزایش بیشتری نسبت به سال گذشته نیز داشته است. به ما قیلاً در مورد حکم تخلیه این مدرسه اطلاع داده نشده بود. در حال حاضر همانطور که مشاهده می شود کلیه مدارک، پرونده ها و اثاثیه خارج از مدرسه تخلیه شده و نمی دانیم چه کار بای بکنیم."

مدرسه در جبهه!

در کنار خبرهای متعدد در مورد تخلیه مدارس استیجاری و مشکلات عدیده ای همچون کمبود کتاب، معلم و فضای آموزشی، این خبر نیز در جراید جمهوری اسلامی جلب توجه می کند که "مشکلات آموزشی در جبهه ها بر طرف شد."

کیهان ۲۰ مرداد با تیتر درشتی از قول مسئول بسیج سپاه پاسداران اعلام می کند در سال آینده در جبهه های جنگ مجتمع های آموزشی تشکیل خواهد گردید. رحمانی مسئول بسیج در مصاحبه ای که برای اعلام این خبر تشکیل داده است تعداد دانش آموزانی را که به جبهه ها گسیل داده شده اند، ۱۲ هزار نفر ذکر می کند و می گوید در سال جاری تعدادی محل نیز به جبهه ها فرستاده خواهند شد تا برای آنها مدرسه دایر کنند.

لایحه بودجه ارزی سال ۶۴

کمبود ارز رژیم را با مشکلاتی جدی مواجه ساخته است. دولت برای برنامه ریزی بر روی ارزی که صرفاً از فروش نفت حاصل می شود، لایحه ای تهیه کرده بود که اخیراً به تصویب مجلس رسید. این لایحه را شورای نگهبان به دلیل اینکه سهم واردکننده های بخش خصوصی در آن دقیقاً تصریح نشده بود، دارای اشکال شرعی دانست و رد کرد.

کارکنان سازمان تامین اجتماعی تهران مسکن می خواهند!

کارکنان سازمان تامین اجتماعی تهران، خواستار رسیدگی به وضع مسکن خود شده و درخواست کرده اند که هرچه زودتر جهت احداث مسکن، به تعاونی آنان، زمین داده شود. در این رابطه طوماری تهیه کرده اند و همچنین اطلاعیه ای صادر کرده اند که چنانچه به درخواست آنان جواب مثبت داده نشود، دست به تحصن خواهند زد. این اطلاعیه در اغلب شعبات سازمان تامین اجتماعی پخش شده است.

جنون مردم آزاری

آزار، تحقیر، فحاشی و ضرب و جرح مردم، حقیقتی است که در کشورمان همه روزه می توان شاهد آن بود. اخیراً اینگونه موارد در شهر اصفهان افزایش چشمگیر یافته است. برای مثال در تاریخ ۱۷ مرداد در خیابان هزار جریب اصفهان، روبروی دانشگاه، یک ماشین پیکان استیشن که حامل چهار فرد مسلح حزب الهی بود، یک ماشین رنو را که یک زن وشوهر در آن نشسته بودند، متوقف کرده و بدون کمترین پرسی مرد را زیر ضرب مشت و لگد گرفتند. این عمل وحشیانه به بهانه مبارزه بامنکرات صورت گرفت. مهاجمین به اعتراض رهگذران که در محل گرد آمده بودند وقعی ننهاده بودند و این زن وشوهر را پس از مذبذب ساختن به کمپته بردند. اینگونه اقدامات بر نفرت مردم اصفهان از رژیم افزوده است.

کنترل کوهنوردان

مامورین ساواک خمینی نیز مانند سلف خود ساواک شاه حساسیت ویژه ای نسبت به ورزش کوهنوردی دارند. بدین منظور مسیرهای پر رفت و آمد کوه ها بطور مستمر مورد کنترل قرار می گیرد این کنترل ها که به شیوه های گوناگون و گاه با دوربین های قوی و از دور انجام می یابد هم برای یافتن فعالین سیاسی و هم برای جلوگیری از شعارنویسی در مسیرهای پر رفت و آمد کوهستانی صورت می پذیرد. در تهران، اخیراً کنترل را به اتوبوسهای مسیرتجربیش-درکه نیز گسترش داده اند و مواردی از دستگیری جوانان در این اتوبوسها دیده شده است. این اقدامات معمولاً روزهای جمعه که معمولاً مردم زیادی برای کوهنوردی می روند صورت می پذیرد.

آغوش مردم مامن انقلابیون

در خیابان بهار شیراز تهران، یکی از گشت های رنگ وارنگ رژیم، سه دختر را مورد تفتیش قرار می دهد و به واری کیف آنها می پردازد موتورسواری که ناظر بر جریان شاهد تگرانی دخترها بوده است به سرعت آمده و کیف دخترها را می برد. دخترها نیز از فرصت استفاده کرده و با کمک اهالی محل می گریزند. پاسداران، سربازهای چند ساختمان را گرفته و مورد تهدید و ارباب قرار می دهند که شما آنها را پنهان ساخته اید. اما توفیقی در یافتن دخترها نمی یابند.

برخی از خواستهای مردم درگیری رخ داد که منجر به زخمی شدن پنج نفر از اهالی و دستگیری بیش از سی نفر گردید. خواستهای مردم عبارت بود از اسفالت کردن خیابانها، مانع شدن از عبور و مرور ماشین های سنگین در محلات مسکونی و چند خواست دیگر. لازم به تذکر است که اهالی دستگرد خیابان از پرداخت پول برای احداث ساختمان مساجد خوداری کرده بودند. عوامل حکومتی تلاش می کردند تا با ایجاد نفاق و درگیری بین خود مردم، معترضین را مرعوب نمایند، و این خود هرچه بیشتر باعث افشا وائز وای رژیم و حامیان آن گشت. مردم کماکان از خواستهای خود دفاع می کنند.

مردم از این باغ بری می رسد!

عزت الله خان بیات یکی از بزرگترین فئودال های اراک که سالهاست مقیم سوئیس می باشد، و در شماره های گذشته اکثریت خبر باز پس گیری بخشی از اموال و دارایی های او را درج کرده بودیم، اخیراً نیز در جهت پس گرفتن یک ویلای بزرگ و یک بیمارستان در "پنج علی" در نزدیکی اراک، دست به اقداماتی زده است.

بنیاد مستضعفان، غلام مستکبران

پس از دعوت عمومی از سرمایه داران و زمین داران برای پس گرفتن سرمایه ها و زمین هایشان، مدتی قبل بنیاد مستضعفان شهر رامسر از سادات تهرانی (صاحب کارخانه استارلایت - ساکا)، دعوت کرد که به شهر آمده و زمین و خانه اش را پس بگیرند. اموال این شخص پس از انقلاب مصادره شده بود و توسط این بنیاد سرپرستی می گردید. نامبرده که داری املاک و مستغلات زیادی است به بنیاد مستضعفان اطلاع داده که تنها در صورتی حاضر است خانه و زمین خود را پس گیرد که تمام وسائل خانه اعم از ظروف و فرشهای گرانبه و دیگر اموال خود را تا دینار آخر، یکجا، به او باز گردانند. بنیاد مستضعفان در اجرای خواستهای جناب سرمایه دار نهایت کوشش خود را بکار گرفته است.

تولیدات گمشده!

گفته می شود در کارخانه نوافرمد حدود یک میلیون لامپ گم شده است. در برابر اعتراض شدید کارگران نسبت به این موضوع، مدیر جدید کارخانه اظهار می کند، که باید مراقب می بودید، حالا که رفته، باید برای بعد شامتجربه باشد!!

اعتصاب پرسنل بیمارستان بانک ملی

پرسنل بیمارستان بانک ملی، بعزت اینکه مسئولین قیمت غذا را افزایش داده بودند، دست از کار میکشند. مدیر بیمارستان برای تهدید اعتصابیون، عنوان می کند که کسانی در بین شانفوذ کرده اند که قصد اختلال دارند. یکی از کارکنان در مقام اعتراض به این تهدیدات می گوید: من که پدر یک شهید هستم، پرشم اینست که چرا قیمت غذا را افزایش داده اند؟ مقاومت و ایستادگی اعتصاب کنندگان باعث پیروزی آنان گردید و مسئولین ناگزیر قیمت غذا را مجدداً کاهش دادند.



از مبارزات دهقانان

روستای "نیم چاه" از توابع نکا، مازندران، حدود دویست و ده نفر جمعیت دارد. کشاورزان این روستا حدود هفتاد هکتار زمین مصادره ای دارند که بصورت شورایی کشت میشود.

قبل از انقلاب بیست هکتار از این زمین متعلق به یکی از بزرگترین سرمایه داران نکا، و ساری بنام حاجی ابراهیم عرب بود که نمایندگی اتومبیل مزدا و کمباین را در انحصار خود داشت. چهار هکتار از بیست هکتار مذکور، باغ مرکبات است، که درآمد سالانه آن بین کشاورزان به نسبت سهمی که دارند تقسیم می شود.

در سال ۶۲، حاجی عرب با در دست داشتن حکمی از طرف مقتدایی، برای پس گرفتن زمین های مصادره شده اقدام نموده و زارعین را به طور جمعی به دادگاه احضار کرد، که با مقاومت جدی آنها مواجه گردید و نتوانست کاری از پیش ببرد. او مجدداً در سال جاری، پس از دریافت حکم تازه ای از جانب صانعی (دادستان وقت) به منظور غصب دوباره همان زمین، کشاورزان را تحت فشار قرار داد. مقامات قضائی منطقه با استناد به حکم صانعی به تهدید کشاورزان پرداخته و آنان را به دادگاه احضار کردند. اما کشاورزان به هیچ وجه تسلیم تهدیدات نشده و برحق خود تاکید ورزیدند.

درگیری اهالی عسگر آباد با عمال رژیم

"عسگر آباد" یکی از توابع تیرون و کرون می باشد که در چهل کیلومتری نجف آباد واقع است. اخیراً عمال رژیم در تلاش بودند تا آبی را که متعلق به اهالی عسگر آباد بود به نجف آباد منتقل کنند، که با مقاومت شدید مردم روستا مواجه شدند. درگیری بین اهالی عسگر آباد و عوامل مسلح تا چند روز با شدت تمام ادامه یافت. در اثر سبعیت ارگانهای سرکوب رژیم عده ای کشته شدند. در جریان این درگیری، حدود ۴۰ نفر از روستائیان بازداشت گردیدند. مردم آبادی که با سرکوب لگام گسیخته ای مواجه شده بودند شبانه به کوه زدند. ادامه درگیری و خشونت عمال رژیم، باعث مقاومت بیشتر اهالی می گردد، تا اینکه مردم دست به تظاهرات زده و در این تظاهرات علیه خمینی و برای نابودی رژیم جمهوری اسلامی، شعار می دهند. پس از تظاهرات، به مدت سه هفته، روستای عسگر آباد بوسیله نیروهای سرکوب رژیم محاصره شده و عملاً در آن ناحیه حکومت نظامی برقرار گردید.

درگیری اهالی محله دستگردخیار اصفهان با پاسداران

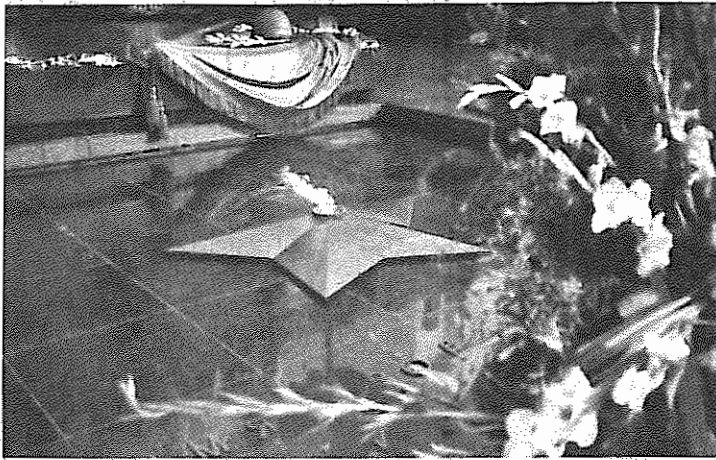
در اواخر خردادماه، در محله دستگردخیار اصفهان بین مردم و پاسداران و ژاندارمها، بر سر

خاطره‌هایی جاودانه

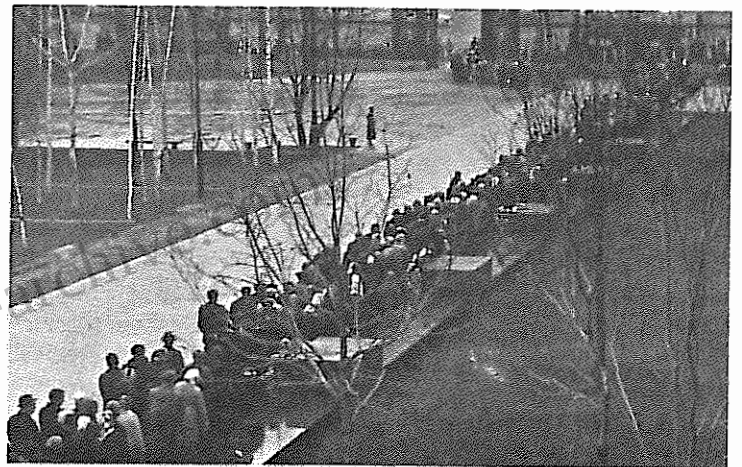
بقیه از صفحه ۱۲

گرامیداشت رهبر کبیرشان از خود نشان می‌دهند، خضوعی که به سبب خلوص و پاکی اش فوراً به دیگران هم سرایت می‌کند، دیدارمان با لنین را پس گیرا کرده بود. صف مشتاقان این دیدار در طول همه ساعتی که بازدید از داخل بنای یادبود انجام می‌گیرد، آنچنان طولانی است که به هر کس، بیش از چند لحظه نصیب نمی‌شود. در این چند لحظه کوتاه قلب انسان مالا مال از احساسات است. از کنار رهبر انقلاب اکتبر می‌گذریم که آرام خوابیده است. انگار خاطرش از میراث گرانبهایش آسایش کامل دارد. آرامش این خواب، در دلمان شور، حرکت و زندگی می‌آفریند.

اتفاقی نیست. حزب، دولت، سیستم آموزشی، رسانه‌های گروهی و همه سازمانهای اجتماعی ظرف ۷۰ سال گذشته بدر دوستی ملل را آنچنان پراکنده اند که در قلب تک تک مردم ریشه دوانده است. یکی دیگر از راهنمایان ما، بگونه‌ای که فراخور ویژگی‌های شخصی او بود، به زبان وبا تعارفات معمول در محافل ورزش باستانی ایران سخن می‌گفت. هیچ یک از ابراز محبت مايش هم صرفاً تعارف نبود. دلیلش هم قطرات اشکی بود که روز آخر، هنگام خداحافظی بر گونه او جاری شد. دلیلش، صفا و صمیمیتی بود که در کارش، یعنی راهنمایی ما، در حدی بسیار فراتر از انجام وظیفه از خود نشان می‌داد.



آرامگاه سرباز گمنام



صف طویل بازدیدکنندگان از مزار سرباز گمنام

از بنای یادبود لنین که بیرون آمدیم، از برابر ردیف کورهای کنار دیوار کرمین گذشتیم. پای این دیوار چه بزرگانی غنوده‌اند! کالینین، استالین، کلاراستکین، جان‌رید، سولف، برژنف، آندروپف، چرنکو و... چه عظمتی! عصاره فضائل بشریت اینجاست. کارهایی به عظمت دورانهای تاریخی بانام اینها گره خورده است.

کورسرباز گمنام در اغلب کشورهایی که عفريت جنگ از آنجا گذشته، وجود دارد. در غرب، این قبر یک جاذبه توریستی ساده است که مرز چندی، سیاستمداران جهت رفع تکلیف و اجرای یک پرده نمایش جلوی دوربین‌های تلویزیونی، پای آن گل می‌گذارند. اما آنچه ما بر مزار

تقریباً همه کسانی که از مسکو دیدار می‌کنند، به بازدید مقبره لنین و آرامگاه سرباز گمنام دریای دیوار کرمین می‌روند. برای ما، دیدار از بنای یادبود لنین، اهمیتی بسیار فراتر از رفتن به یک جایگاه تاریخی دارای جاذبه جهانگردی داشت. ما می‌خواستیم به انسانی ادای احترام کنیم که نه تنها در زمان حیاتش رهبر کارگران و زحمتکشان جهان بود، بلکه به مثابه بنیانگذار لنینیسم - مارکسیسم عصر ما - آموزگار همه انقلابیون پیکر و مبارزان راه محو استثمار انسان از انسان است. تنها همین احساس در قلب تک تک ما کافی بود تا به این دیدار، شکوه عظمت شایسته‌اش را ببخشند. اما گذشته از احساس درونی ما، خضوع پرشکوهی که فرزندان لنین، مردم شوروی، در

چه فدائیکاریها و رنجهایی هستند، و باز به یادشان می‌آورد که با نبرد برای معیشت و نابودی ابدی جنگ، راه سرباز گمنام را ادامه باید داد.

سرباز گمنام در مسکو دیدیم، به کلی متفاوت بود. آرامگاه سرباز گمنام در آستانه یکی از مداخل و ورودی میدان سرخ، پیش از آنکه محل ادای احترام هیات‌های رسمی و دولتی باشد، جایگاه مردم است. در مسکو رسم این است که هر زوج بلافاصله پس از مراسم عقد، به اینجا می‌آیند و گل می‌گذارند. این، یک سنت دست و پاگیر و به اصطلاح "مد روز" نیست. در اتحاد شوروی خانواده‌ای نیست که در میان ۲۰ میلیون قربانی که این کشور در جنگ دوم جهانی متحمل شد، بدربرگ، ادای احترام زوجهای جوان به سرباز گمنام، از یک سویاد کردن از عزیز از دست رفته است و از سوی دیگر تجدید عهد با همه آنهایی که جان خود را دادند تا نسلهای آتی بتوانند در صلح و سعادت زندگی کنند، عشق بورزند و بیافرینند. مراسم ساده و بی‌تکلف گل گذاشتن روی قبر سرباز گمنام، به یاد همه می‌آورد که زندگی خود را مدیون

فستیوال، آنچنان انرژی و شوری دمیده بود که حرکت و فعالیت تک تک ما در آن چند روز فراموش نشدنی، با روزهای معمولی زندگی قابل قیاس نبود. اغلب ما برای آن که با تمام وجود از جشنواره بهره‌ور شویم، شبانه روزی چند ساعت کم می‌آوردند. برنامه‌های سیاسی شامل میتینگ‌ها، بحثها و کنفرانسها معمولاً صبح‌ها و بعد از ظهرها بود. شامگاهان تا نیمه شب به برنامه‌های فرهنگی و هنری اختصاص داشت که هر نفر تنها می‌توانست قطره‌ای از آن دریا را ببیند. و شبها هم این خود جوانان بودند که خارج از چارچوب هر برنامه‌ریزی قبلی، خیابانها و میادین مرکز شهر مسکو را در اختیار می‌گرفتند. همه جا موسیقی، همه جا



قلب تک تک مردم شوروی سرشار از احساس دوستی خلقهاست

شیوه رژیم خمینی برای گزینش دانشجو

شخص مورد نظر، وابستگی سازمانی و گروهی، درجه وابستگی، عملکرد داوطلب در طول دوران تحصیل و ... نوشته شده است. (متن این فرم عیناً در نشریه اکثریت شماره ۱۸ چاپ شده است)

از آزمون سال ۶۳ تا کنون تجسس و تفتیش در مورد داوطلبان، کنکور با تکیه بر اطلاعات سازمانهای رسمی امنیتی و ارگانهای قضایی رژیم به طور هماهنگ پیش برده شده است. دکتر فاضل زبیر آموزش عالی در بهمن ماه سال گذشته در مصاحبه با کیهان در مورد روش کار تحقیق و گزینش گفت: "از این پس برای این منظور مقرر شد ضوابط گزینش ونحوه استعلام از مراکز مطمئن و موثق رسمی در سال آینده به اجرا گذاشته شود یعنی از این پس برای تحقیق از منابع محلی غیر رسمی استفاده نخواهد شد."

(کیهان ۲۸ بهمن)
مرتجعین حاکم برای کنار گذاردن جوانان متعدد و انقلابی و توده میلیونی دانش آموزان و دانشجویان به انواع و اقسام بهانه‌های واهی متوسل می‌شوند. آنها هر جوانی را که از وضع موجود و فشارهای ناشی از سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی رژیم، از جنگ، تفتیش وزندان، سرکوب آزادیهای فردی و اجتماعی، نبودن امکانات علمی و فرهنگی برای رشد و پرورش استعدادها و ... ناراضی است و یا هر جوانی که نخواست در

بقیه از صفحه اول
ناچارند برای راه یابی به دانشگاه از یافت خوان تحقیقات سیاسی-ایدئولوژیک و تفتیش قرون وسطایی ارگانهای امنیتی رژیم بگذرند. در این میان پذیرفته شدگان وابسته به نهادها موثق به برقراری نظم دلخواه رژیم در دانشگاهها و موسسات عالی ستند. آنها علاوه بر این، وظیفه کنترل آن عده از دانشجویانی را که دستگاههای امنیتی حکومت نتوانسته است به هنگام گزینش، وضعیت سیاسی-ایدئولوژیک آنان را به دقت شخص کند، به عهده دارند.

مرتجعین تاریک اندیش و خرافه پرور برای جلوگیری از رسوخ اندیشه‌های انقلابی و ترغیب خواهانه در بیان توده دانشجویان موانع و سدهای مختلفی ایجاد می‌کنند. هر سال نرفندهای جدیدی ابداع می‌کنند. تا بلکه بتوانند حاکم بلامنازع صحنه دانشگاهها باشند. روشهای تحقیق و گزینش را ماه به ماه و دوره به دوره تغییر می‌دهند و در هر مرحله جدید بر دامنه جو تفتیش و تجسس می‌افزایند. مال گذشته تحقیق در مورد پذیرفته شدگان نه تنها از طریق انجمنهای اسلامی مدارس و محلات که رژیم آنها را "چشم و گوش" خود می‌خواند، پیش رفت بلکه فرمی نیز به مدیران مدارس، برخی معلمان (بویژه معلمان امور تربیتی) و انجمن های اسلامی داده شد که با پاسخ به پرسشهای آن وابستگی های مختلف دانش آموزان مال چهارم داوطلب آزمون سراسری مورد شناسایی قرار می‌گرفت. در این نرم پرسشهایی چون وابستگی سیاسی

مدرسه و محله در شمار متملقین و سالوسان و جاسوسان رژیم درآید و سر بر آستان انجمن ها و نهادهای ضد مردمی بساید بنام نداشتن "صلاحیت" از تحصیلات دانشگاهی محروم می‌کنند. تنها کافی است یکی از "چشم و گوش" های رژیم در باره داوطلبی گواهی به اصطلاح سو' بدهد تا انسانی را از ابتدایی ترین حقوق طبیعی و اجتماعی اش محروم سازند.

امسال برای گزینش دانشجویان علاوه بر روشهای سابق شیوه های جدیدی نیز بکار گرفته شده است. از نوبت مسئولین گزینش و از معیارها و ملاکهای آنها برای انتخاب داوطلبان پدید است که پذیرفته شدگان را اساساً بر مبنای توانایی های علمی و استعدادهای آموزشی مورد سنجش قرار می‌گیرند بلکه بنا بر معیارهایی انتخاب می‌شوند که از نظر حکومت دارای "صلاحیت" سیاسی-ایدئولوژیک آنهم به تشخیص "قاضی ذیصلاح" باشند. این قاضی ذیصلاح فرد ارکان بی نام و نشانی است که هیچ فرد معترضی را امکان دسترسی به او نیست. در روزنامه کیهان ۱۲ مرداد شماره صندوق پستی ای داده شده که معترضین تنها از طریق آن می‌توانند با هیات "مخفی" گزینش تماس بگیرند. دبیر شورای مرکزی گزینش دانشجویان در مصاحبه با کیهان و اعلام شماره صندوق پستی مذکور و تأکید بر نقش "قضات ذیصلاح" در هسته های گزینش، برای ایجاد تمرکز و هماهنگی

تعمیقات و جلوگیری از "سردرگمی رژیم" به هنگام تجسس، خطاب به آن عده که وظیفه تحقیق و تفتیش در احوال داوطلبان کنکور را به عهده دارند می‌گوید: "بدیهی است اطلاعات ارسالی و ذکر موارد سوء سیاسی و اخلاقی در مورد داوطلبین ورود به دانشگاهها و موسسات آموزشی "باید شامل موارد زیر باشد."

- ۱- نام و نشان با قید آدرس دقیق
 - ۲- اطلاعات ذکر شده باید مستند باشد و ذکر مراجع موثق جهت پی گیری ضروری است
 - ۳- اطلاعات در خصوص شرکت کنندگان در آزمون سراسری سال جاری بایستی در اسرع وقت ارسال گردد.
- با همه این تمهیدات رژیم همچنان از حضور دانشجویان مبارز در صحنه دانشگاهها هراسناک است. بنا به اظهار دبیر شورای مرکزی با وجود آنکه هیات گزینش سال ۶۳ تقویت شده و در هر هسته آن "قاضی مجرب" گمارده شده است، تا کنون نتوانسته کار گزینش سال گذشته را به پایان برساند.

رژیم گمان می‌کند بدینوسیله و با تشدید جو تفتیش و خفقان می‌تواند بر دانشگاهها که یکی از کانونهای مهم مبارزه مردم و جوانان در رژیم جمهوری اسلامی و در دوران سرکوب و اختناق وحشیانه رژیم منغور پهلوی بوده غلبه کند. رژیم خمینی، از پدر خشم و نفرتی که در دانشگاهها کاشته همان را خواهد دروید که حاصل حکومت ستم شاهی شد.

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید!

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را
رفقای فدایی در شهر باری (ایتالیا)
تأمین کردند

کمک های مالی رسیده
رفقای ماری (فرانسه) ۱۰۰ فرانک
کمک مالی از مون پلیر ۱۰۰ فرانک
رفیق مریم از پاریس ۱۰۰ تومان
کمک مالی رفقای رم
به نشریه ۱۵۰۰۰ لیر
کمک مالی یک رفیق افغانی
در ایتالیا به نشریه ۱۰۰۰۰ لیر
رفیق محسن، هدیه شما (سکه طلا) رسید

کشور خودمان، یادبودی در کنار پرچم ایران که روی یک نقشه جهان چاپ شده بود، بنویسیم. مشغول نوشتن که شدیم، همه آنها بی که خجالتی تر بودند جلو آمدند. صف مشتاقان خطما دیگر تمامی نداشت! اگر می‌ماندی، می‌بایستی تا صبح روز بعد فقط امضا می‌دادی! نوجوانان و جوانان شوروی با علاقه زیادی که بازتاب صادق روح دوستی با ملل دینار بود، به جمع آوری کلکسیون از یادگارهای جوانان سایر کشورها می‌پرداختند. آنچنان برای این یادگارا حرارت نشان می‌دادند که تا نمی‌دیدیم برایمان غیر قابل تصور بود. بازار مبادله اشیای یادگاری، از کارت و مدال و سنجاق سینه گرفته تا قلم و کیف، گرم بود. اشیائی که به خودی خود، ارزش چندانی نداشتند اما صمیمانه ترین احساسات انسانی و مردمی را منعکس می‌ساختند.

کشوریم. وقتی پاسخ شنید، با لهجه تاجیکی گفت "فارسی صحبت کنیم". معلوم شد اهل تاجیکستان است و در مسکو کار می‌کند. حداکثر ۲۵ سال داشت. از اوضاع ایران جویا شد و گفتنی‌ها را شنید. متلای که فهمید متعلق به کدام سازمانیم، لبخندی بر چهره اش شکفت. نام فدایی را از فعالیت انقلابی سازمان در ترکمن صحرا می‌شناخت. چقدر باشکوه است که انسان بداند در میان این خلق بزرگ، چه دوستان و رفیقان زیادی دارد.

وقتی برای بار اول به جمع پایکوبان جوان پیوستیم، چهره های زیادی می‌دیدیم که گویی می‌خواستند چیزی به ما بگویند، اما تردید داشتند و جلونی آمدند. بعد، علت را فهمیدیم: یکی که از همه با جرات تر بود، از ما خواست به خط

قص و پایکوبی، همه جا بحث و گفتگو، همه جاشور و زندگی بود. با همه خستگی که ۱۰-۱۵ ساعت فعالیت روزانه به همراه می‌آورد، مگر دلمان نمی‌آمد کرد همایی پرشکوه میدان سرخ و اطراف آن را به حال خود بگذاریم و به بستر برویم؟ نه، باید از این مرچشمه تا هر حد که می‌توان سیراب شد! بارها پیش آمد که فرد، یا به یاد آوردن کارهای سنگین فردا، ترک مجمع شورانگیز شبانه را به خود نسیل می‌کرد و به اقامتگاهش بازمی‌گشت، اما دیگر بارتاب ماندن نمی‌آورد و بیرون می‌آمد تا از این همه نور و زندگی، چیزی را از دست ندهد. یک بار که یکی دوساعت پس از نیمه شب، به دیدار جمع هزاران نفره "میدان انقلاب" و "میدان سوردلف" رفته بودیم، در میان جمعیت کسی از ما پرسید که اهل کدام

بقیه از صفحه اول وارد شد. او در این

مدرسه تحت آموزشهای "سید عظیم شیروانی" با ادبیات و شعر آشنا شد و به مطالعه آثار "نظامی" و "فصولی" پرداخت. در این هنگام خود او نیز شعر می‌سرود و اشعاری را نیز به فارسی ترجمه می‌کرد. "صابر" در سال ۱۲۶۲ شمسی به ایران و عراق مسافرت نمود و پس از مراجعت در سال ۱۲۶۹، ازدواج کرد و برای گذران زندگی به پیشه صابون پزی روی آورد. در این سالها "صابر" زندگانی دشواری را می‌گذراند و هرگاه فرصتی می‌یافت به سرائیدن شعر می‌پرداخت. این وضع تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت. شعله‌های فروزان انقلاب ۱۹۰۵، استعداد درخشان صابر را که در زیر لایه‌های سنگین و کدر سنن مهجور پنهان مانده بود، شکوفان ساخت. انقلاب در جهان بینی صابر و شکل‌گیری عقاید دموکراتیک و انقلابی او تأثیرات عمیقی بر جای نهاد. فعالیت و آثار ارزشمند او در این سالها، نام او را در زمره شاعران و نویسندگان انقلاب ۱۹۰۵ به ثبت رساند.

در سالهای آغازین قرن بیستم، قفقاز یکی از کانونهای بزرگ تجمع ایرانیان بود. هر سال هزاران نفر از ایرانیان تحت شرایط جبر اقتصادی، به منظور یافتن کار به سوی معادن نفت، مس، نمک و سیمان و یا اشتغال در کارهای ساختمانی و راه آهن، بدان دیار روانه می‌شدند. به طوریکه تنها در سال ۱۹۰۵ تعداد ایرانیانی که از مرز ایران و روسیه عبور کردند بالغ بر سیصد هزار نفر بود. شرایط طاقت فرسای کار و جو انقلابی سالهای ۱۹۰۵، ایرانیان مهاجر را به مبارزه حق طلبانه‌ای جذب می‌نمود. شرکت کارگران ایرانی در مبارزات و اعتصابات کارگران آن نواحی، واز جمله شرکت در اعتصاب سال ۱۹۰۶ معادن مس و کارخانه‌های "الله‌وردی"، باعث نزدیکی هرچه بیشتر زحمتکشان هر دو کشور گشته بود، بطوریکه آگاه‌گران انقلابی و نویسندگان و هنرمندان مرفقی قفقاز به رویدادها و مسائل جنبش انقلابی ایران، به مثابه امری مشترک می‌تیرستند.

در چنین شرایط و زمینه‌ای بود که در سال ۱۹۰۶، هفته‌نامه طنزآلود و انتقادی "ملانصرالدین" به همت "میرزا جلیل محمدقلی زاده"، نویسنده نامدار آذربایجان منتشر شد. "میرزا علی اکبر صابر" از همان ابتدا به جمع انقلابی، هنری و ادبی "ملانصرالدین" پیوست و از

آن پس بطور دائم با این نشریه همکاری کرد. صابر با اشعار طنزآلود و افشاگرانه خود، در تنویر افکار عموم، نقش برجسته داشت. بدینسان حضور صابر در جمع نویسندگان و هنرمندان "ملانصرالدین"، میدان وسیعی را در برابر این سخنگوی توانا

تشویش و نگرانی محمدعلیشاه و اعوان و انصارش، رشادتهای فدائیان و مجاهدان، بی رمقی و کم‌جانی مجلس شورای ملی، استمداد شاه از دولت‌های امپریالیستی، سرسپردگی روحانیون مرتجع و بالاخره شکست انقلاب، در اشعار او انعکاس نام و

صابر، شاعری از قفقاز در انقلاب مشروطیت

تمام یافته است.

اشعار صابر، علیرغم تمهیدات روحانیون مرتجع و شخص محمدعلی میرزا در توقیف "ملانصرالدین"، همواره به ایران می‌رسید و در تبریز و دیگر نقاط آذربایجان بر سر زبانها می‌افتاد. مردم آذربایجان خود بندهائی به اشعار صابر می‌افزودند و یا حتی شعرهای تازه‌ای به تقلید از آن می‌ساختند. و این همه در حالی بود که در سایر شهرهای بزرگ ایران مانند تهران، رشت، اصفهان و غیره ترجمه اشعار صابر و با تقلید از مضامین و سبک کار او رواجی فزاینده داشت.

به عنوان نمونه، نشریه "نسیم شمال" که در رشت منتشر می‌شد، یکی از فعالیت‌های عمده‌اش، ترجمه اشعار صابر و یا سرودن اشعاری با مضامین و سبک کار صابر بود. سروده‌های "صابر" همچون پیکان زهر آکین بر جان دشمنان انقلاب می‌خلید و تأثیرات افشاگرانه آن در ذهن توده‌ها، آبرویی برای مرتجعین باقی نمی‌نهاد. سروده‌زیر، شعر طنز آمیزی است، که صابر از زبان روحانی مرتجع "حاجی میرزا حسن مجتهد" به هنگامی که مشروطه خواهان تبریز، به واسطه خیانت‌های این روحانی، وی را از شهر رانده بودند، سرانیده است. این شعر افشاگرانه صابر، همین امروز نیز که ضد انقلابیون سلطنت طلب در فکر بازگشت به کشور و تقسیم "غنائیم" می‌سوزند، نیز تازگی و برائی دارد. و از آن گذشته سرنوشت ضد انقلابیون حاکم را در آینده نزدیک ترسیم می‌کند:

"گرگی بودم که در جلد کوسفند رفته
 "هر ابله بیچاره‌ای را می‌دیدم
 "و هر کس لب به حرف حق می‌گشود
 "دهنش را می‌دوختم

...

"نمیدانم چه کسی چوب در لانه زنبور
 کرد

"و هفته‌ها را بیدار ساخت ۱۲

"نمی‌دانم این نهال فتنه را چه کس
 کاشت
 "که هر چه بریدم بیشتر شاخ و برگ
 داد؟
 ...
 "اکنون هوس دیدن "تبریز"
 "آرزوی تعظیم و تکریم
 "شوق سفره گسترده

"بوی مطبوع مطبخ
 "رایحه فرحبخش برنج صدی
 "و اندیشه شربت و افشرد
 دیوانه‌ام کرده است

"پرو دگارا!

"یا بازم آن روزها را خواهیم دید
 "یا این خیال خام را با خود به گور
 خواهم برد؟"

آزادیخواهان و قهرمانان مردمی، کارگران و زحمتکشان در سروده‌های "صابر" از احترام و محبت بی‌کرانی برخوردارند. قطعات "ای کارگر، آیا شمری خویشتن انسان"، "به کارگران باکو" و نیز ستایش نام شویای اودرباره مردم قهرمان تبریز و ستارخان سردار ملی ایران، بیانگر این روح آزادمنش و انسانی اوست. ابیات آغازین این ستایش نامه چنین است:

"حال مجلوبم گوروب، قار، دیم
 دیوانه در

نعره شوریده می‌ظن ایتمه بر افسانه در
 شاعر طبعم دژ، شعر تریم دردانه در
 آفرینم همت والای ستارخانه در...
 "حال مجلوبم چو می‌بینی مگو دیوانه
 است

ظن میر این نعره شوریده‌ام افسان
 است

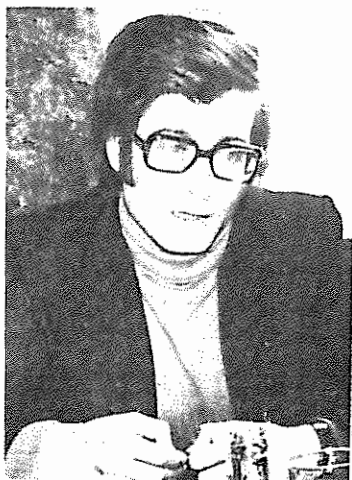
شاعر، دریاست طبعم، شعر من
 دردانه است

آفرین چون همت "ستارخان" مردان
 است.

شعر "صابر" از آگاهی و عاطف شورانگیز او نسبت به مردم و انقلاب ایران و از مراودات او با انقلابیون بزرگی چون "مشهدی عظیم بیک اوغلی" (از پیشرویان نهضت انقلابی آذربایجان) نشأت می‌گرفت و بهمیر خاطر در میان انقلابیون ایران شور و شوقی وافر ایجاد می‌نمود. به طوریکه در جریان قیام تبریز، یکی از وظایف مهم کمیته انقلاب جلغا، رساندن اشعار جدید صابر - که در ملانصرالدین منتشر می‌شد - به سنگرهای رزمندگان تبریز بود.

صابر، پس از آنکه عمری در مبارزه گذراند، در تنگدستی تمام و به علت بیماری سل در سال ۱۲۹۰ شمسی چشم از جهان از فرو بست

آشنایی با محمود درویش، شاعر خلق فلسطین



در میان سخنسرایان صلحدوست و ترقیقخواه معاصر، بی شک نام محمود درویش شاعر فلسطینی جای ویژه ای دارد. محمود درویش در سال ۱۹۴۲ در جلیلیه متولد شد. وی در سال ۱۹۵۸، به اتفاق شاعر دیگر، در اسرائیل نخستین مجموعه شعر فلسطینی را منتشر ساخت. وی به عضویت گروه "الارض" که پاسداری از هویت ملی و سنن میهنی فلسطینی ها را هدف خود قرار داده بود، درآمد. در دهه ۶۰، مقامات صهیونیست چندین بار شاعر جوان را بازداشت کردند. گروه "الارض" ممنوع اعلام و محمود درویش در حقیقت تحت نظر قرار گرفت. درویش در سال ۱۹۷۰ ناچار شد به لبنان مهاجرت کند، و هنگامی که اشغالگران اسرائیلی به این کشور تجاوز کردند، به پاریس رفت. در حالیکه هفته ها مبارزه در صفوف مدافعین قهرمان بیروت را پشت سر گذاشته بود. تجربیات این دوره در آخرین اثر بزرگ او، شعر ۴۰ صفحه ای "بیروت" بازتاب یافته است. اشعار درویش، سراپا بازتاب پیوند عمیق او با مقاومت فلسطین، با آرزوی پرشکوه احیای حقوق ملی خلق فلسطین است.

اینک قطعه ای از شعر "بیروت":

بیروت در شب -
هیچ ظلمتی تیره تر از این نیست.
تنها هتام فرو افتادن بر خاک، نورمی تراود از من...
نقش ها در نمایش خونین و از کون شده است:
جز کشتگان داوری نیست.
قاتل و شاهد دست به دست هم دادند
و کشتگان را
به قلمرو قاتلان نشان بردند...
صبر ادا دخترک خفته.
مردان رفته اند
و جنگی فرو خوابید، دوشب کوتاه
بیروت تسلیم شد و پایتخت گردید.
شبی طولانی در کمین رویاهای صبرا نشست
و صبرا در خواب بود
صبرا ایقایی دست یک جسد.
از سواران خود
و از زمان خود
وداع کرد و خویشتن را به دست خواب سپرد.
از خستگی و از غرباهی

که او را پشت سر نهادند
صبرا تنها قادر است سکوت خود را
با چند گل سرخ و بایک کاکل
بغرد و بفروشد،
و این را سر بازاری که از جلیلیه آمده اند می دانند.
صبرا از نیمه اذ دست رفته خود می پرسد:
چرا مرا ترک می کنی
و زنان خود را به شب آهنین می سپارید؟
چرا می رویید؟
صبرا سینه عریان خود را پاسرود و داع می پوشاند.
و دستان خود را می شمارد،
اما وقتی یک دست خود را نمی یابد،
در شمارش به اشتباه می افتد.
چند بار دیگر باید سفر کنم؟
تا کی؟
و با چه رویایی؟
و هرگاه روزی باز گردید -
به کدام تبعیدگاه
به کدام تبعیدگاه بازمی گردید؟
صبرا سینه عریان خود را می درد

کل چند بار می شکفت؟
انقلاب چند بار سفر می کند؟
صبرا از شب می ترسد.
شب را به دامن خود می نشاند
و آنرا با چشمان سیاه خود می پوشاند.
می گریه
تا شب را منحرف سازد
آنها رفتند بدون آنکه از بازگشت سخن گویند
پژمردند
اما خم نشدند
و روی برنگردانند
از درخشش گل سرخ.
آنها باز گشتند
اما نه به میدا.
زندگی؟
همچون کودکانی که از بوسه ای می گریزند.
نه! تبعیدگاهی ندارم تا بگویم میهنی دارم.

آفریقای جنوبی: لحظه سرنوشت

آستانه جنگ داخلی قرار داده است.
عصر جدید پس به منافع آمریکا و سایر
کشورهای ناتو در آفریقای جنوبی
اشاره می کند و از جمله می نویسد: حجم
سرمایه گذاریهای ایالات متحده در
این کشور ۲ میلیارد دلار و سرمایه
گذاریهای بریتانیا از این هم بیشتر
است. در پایان مقاله، پس از بر
شمردن به نعل و میخ زدن کشورهای
غربی در رابطه با آپارتاید، آمده
است:

"اما همه شواهد حاکی از آن است که
زمان شعبده بازیهای دیپلماتیک به سر
رسیده است. رویدادهای کنونی بیش
از پیش نشان می دهد که "دژ سفید"
امپریالیسم در جنوب آفریقا، هر قدر
هم که دولتهای غربی تلاش کنند، از
دعالتاریخی سقوط کرده است."

فعال سیاسی را که به زندان می افتند
بلافاصله دیگران می گیرند، و تشییع
جنازه قربانیان جدید ترور نژاد
پرستان پیوسته به تظاهرات اعتراضی
پر توانی تبدیل می شود.
در ادامه مقاله آمده است که
اعلام حکومت نظامی توسط رژیم
آفریقای جنوبی این کشور را در



غیر انسانی آپارتاید می افزایش در
حالیکه قیام های پیشین مردم آفریقای
جنوبی به علت خود بخودی
بودنشان فوراً سرکوب می شدند،
"امروز وضعیت بگونه دیگری است.
سابقه ندارد که توده ها در همه جا
اینچنین مصمم و متشکل علیه رژیم نژاد
پرست بپا خاسته باشند. جای صدها نفر

هفته نامه شوروی "عصر جدید"
سر مقاله شماره ۲۲ خود را به
رویدادهای اخیر آفریقای جنوبی
اختصاص داده و تحت عنوان فوق
می نویسد:

"رویدادها در جمهوری آفریقای
جنوبی آنچنان یکی پس از دیگری به
وقوع می پیوندند که نمی توان پیش
بینی کرد هنگامی که این نشریه به
دست خواننده می رسد، در آنجا چه
وضعیتی حاکم خواهد بود. اما یک چیز را
می توان از هم اکنون به جرات گفت:
در آنجا لحظه سرنوشت فرا رسیده
است. جمعیت ۲۵ میلیونی سیاه این
کشور کاسه صبرش از نظام آپارتاید،
از حاکمیت و امتیازات ویژه ۴/۷
میلیون سفید لبریز شده است."
عصر جدید با اشاره به ماهیت

گفتگوی "اکثریت" با دو تن از رهبران جنبش جهانی صلح

بقیه از صفحه اول

گفتگوی "گوردون شیفر" عضو شورای جهانی صلح

گفتگوی "پرایکسون" مسئول کمیته صلح سوئد

مانطوریکه گفتیم خطرناک است.

"گوردون شیفر" در پاسخ به این سؤال که به نظر شما چه نیرومایی تلاش دارند دنیا را در آستانه جنگ قرار دهند گفت:

"از همان روزی که اولین بمبهای اتمی بر روی شهرهای ناکازاکی و هیروشیما آزمایش گردید، مشخص بود که هدفشان در پایان جنگ، بر اساس نابودی فاشیسم نبوده است، بلکه هدف این بود که به شوری تفهیم گردد که "ما آقای دنیا هستیم"، اسناد و شواهد قاطعی در دست است که نشان می دهد زمانیکه آمریکا انحصار بمب اتمی را در دست داشته است بارها جهان را به استناد از آن تهدید کرده است. در دفتر خاطرات "فارسترو" وزیر دفاع وقت آمریکا آمده است:

"سالمایی که ما انحصار بمب اتمی را در دست داشتیم سالهای طولانی ما بودند" در دفتر خاطرات "فارسترو" بوضوح آمده است که اولین سری بمبهایی که در سال ۱۹۴۸ به انگلیس وارد شده بود قرار بود که علیه اتحاد شوروی و در مسکو استفاده شود. "هنری کیسینجر" وزیر امور خارجه سابق آمریکا نیز گفته بود: "بزرگترین اشتباه آمریکا در زمان انحصار بمب اتمی این بود که از آن استفاده نکرد." در همان زمان سفیر آمریکا در شوروی تخمین می زد که "شورویها در ده سال بعد قادر به تولید بمب اتمی نخواهند بود". اما این پیش بینی بسیار اشتباه بود. این کشور بسیار زودتر به بمب اتمی دست یافت و تنها این مسئله بود که مانع استفاده آمریکا از بمب اتمی گردید.

از آن زمان اقداماتی در زمینه محدود کردن تولید سلاحهای هسته ای و همچنین پایان دادن به سابقه

تسلیماتی انجام گرفت. امضا قرار دادهای "سالت ۱ و ۲" و همچنین امضا معاهده ای که به "قطعنامه هلسنکی" شهرت یافت از آنجمله است. در قطعنامه نهایی هلسنکی گفته شده است که دو نظام می توانند از هم نفرت داشته باشند، می توانند با هم رقابت داشته باشند ولی علیرغم همه اختلافات و تضادهای می توانند و باید با هم همزیستی داشته باشند. اکنون ده سال از امضا معاهده های فوق می گذرد، در چندین مورد و منجمله موردی که اخیرا مطرح گردیده است یعنی "جنگ ستاره ها" هم به قطعنامه هلسنکی و هم به "سالت ۱ و ۲" خیانت شده است. همین امر روشن می کند که در هر دو مورد اتحاد شوروی بطور پیکر برای خلع سلاح عمومی پیشنهادهای مناسب داده است ولی طرف دیگر یعنی آمریکا همیشه در جهت دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی اقدام کرده است و این گفته از اینرونیست که جنبش صلح ضد آمریکایی یا طرفدار شوری است بلکه بدین دلیل است جنبش صلح و اقطاع در صلح است.

آقای "گوردون شیفر" در مورد نقش تخریبی جنگ ایران و عراق در به خطر انداختن صلح گفت:

چیزی که من می توانم در این زمینه بگویم اینست که این جنگ در خدمت منافع امپریالیستها می باشد و باید هر چه زودتر قطع گردد. ادامه جنگ تنها در خدمت اجرای سریعتر طرحهای آمریکا در زمینه تقویت نیروی نظامی خود در خلیج فارس، خاورمیانه و اقیانوس هند است. به این امر باید توجه جدی داشت که اقیانوس هند و خلیج بشدت توسط آمریکا نظامی می گردند و این روند سرعت بیشتری می یابد.

مرگ شیمیایی، ارمغان انحصارات...

بقیه از صفحه ۳

چه در سطح بین المللی، در آغاز نگرانی معینی از استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی ابراز گردید، اما اقدامی جهت متوقف نمودن این روند صورت نپذیرفت.

اهمال در انجام اقداماتی بر علیه عراق باعث گردیده است که ایرانی ها نیز تصمیم به تولید سلاح های شیمیایی بگیرند.

بر شده بودند، مشاهده نمود. مقامات دولتی تعدادی از کشورهای این منطقه نگرانند که در صورتی که از تولید و استفاده از این نوع سلاح ها بموقع جلوگیری نشود، این سلاح ها به تدریج به جزئی بدیهی از جنگهای معمولی (غیر اتمی) تبدیل شده و کشورهای منطقه این مواد جنگی را به زرادخانه های خود اضافه نمایند. اگر

رفیق پرایکسون مسئول کمیته صلح سوئد است و در سال ۱۹۲۷ به عضویت "اتحادیه جوانان کمونیست" و در سال ۱۹۳۱ به عضویت "حزب کمونیست سوئد" درآمد. وی در جنگ های داخلی اسپانیا در بریتاد انترناسیونالیستی شرکت داشت و بارها مجروح گردید. پرایکسون در طی سالهای جنگ مجبور به ترک سوئد گردید. پس از بازگشت، در سال ۱۹۵۰ در کمیته صلح سوئد بفعالیت مشغول گشت.

رفیق اریکسون بعنوان مسئول کمیته صلح سوئد در گفتگوی با خبرنگار اکثریت شرکت کرد و در مورد دور جدید مذاکرات ژنو پیرامون خلع سلاح عمومی ابراز داشت:

قطع مذاکرات صلح ژنو در چندی قبل بعلت تلاش در جهت استقرار موشکهای میان برده ستای در اروپا از سوی آمریکا و پیمان ناتو بود. این موشکها قادرند مستقیما اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را هدف قرار دهند. با استقرار این موشکها از سوی پیمان ناتو، در اس آنها آمریکا و نقض آشکار مواردی که در دستور بود، مذاکرات قطع شد. اما امروز مسائل جدیدی پیش آمده است که عمده ترین آنها همان "جنگ فضایی" می باشد که باعث تیرگی هر چه بیشتر اوضاع می گردد. امروز اتحاد شوروی پیشنهادهای باز هم مشخص تری ارائه داده است و امیدوار هستیم که این دور مذاکرات به نتایج بهتری برسد. آنچه که بما مربوط می شود این است که ما در تمام مدت سعی خواهیم کرد افکار عمومی را در این رابطه با تمام توان خود بسیج نمائیم.

رفیق پرایکسون ارزیابی خود را از کنفرانس امنیت و همکاری اروپائی در استهکلم اینچنین ابراز داشت: هم اکنون در کنفرانس استهکلم بحث حول اقدامات امیدوار کننده ای جریان دارد و پیشنهادهای فراوانی به کنفرانس ارائه شده است. بسیاری از این پیشنهادها با هدف متوقف نمودن استقرار تسلیحات اتمی در اروپا ارائه شده است. بر اساس این پیشنهادها تصمیماتی اتخاذ گردیده که در صورت اجرا واقعا می توانند امیدوار کننده باشند. به نظر من کنفرانس نتیجه دستاوردهای



پرایکسون، مسئول کمیته صلح سوئد

مثبتی داشته است.

رفیق اریکسون در مورد جنگ ایران و عراق گفت: انحصارات فراملیتی، تولید کنندگان و فروشندگان اسلحه و تجهیزات نظامی به طرفین درگیر، تنها کسانی هستند که از ادامه این جنگ سود می برند. بازندگان اصلی این جنگ، خلقهای دو کشور می باشند اما این فقط خلقهای این دو کشور نیستند که از این جنگ صدمه می بینند. این جنگ برای صلح در تمامی جهان اهمیت دارد. تداوم این جنگ می تواند باعث شعله ور شدن هر چه بیشتر آتش آن و افزایش خطر تبدیل آن به یک جنگ جهانی گردد.

بسیار مهم است که این جنگ هر چه زودتر خاتمه داده شود. باید همه نیروها را در حد امکان برای خاتمه آن بسیج نمود.

در مورد لگد مال شدن حقوق بشر در ایران توسط رژیم خمینی مسئول کمیته صلح سوئد ابراز داشت:

"ما اصولا با هر گونه پیکرد و آزار، شکنجه و لگد مال نمودن حقوق بشر کاملاً مخالف هستیم. مادر سالهای اخیر شاهد وقوع آن در ایران بوده ایم. ما زمانی که مردم ایران خود را از یوغ رژیم شاه آزاد نموده و با امپریالیسم آمریکا به مبارزه برخاستند، از آن با شادی استقبال نمودیم. اما روند وقایع به گونه و سستی بوده است که اکنون نیروهای راستگرا هم در ایران و هم در عراق به این جنگ خانمانسوز ادامه می دهند. ما از مبارزه خلق ها علیه استبداد و ستم پشتیبانی نموده و از مبارزه خلقهای ایران و عراق برای صلح فوری و بازسازی آزاد کشورهای خود فارغ از ستم امپریالیستی پشتیبانی می کنیم."

انتخابات ارگانهای محلی در افغانستان

برای نخستین بار در تاریخ افغانستان، مردم این کشور امکان یافته اند تا ارگانهای محلی قدرت دولتی را از طریق انتخابات عمومی برگزینند. شوراهای روستاها و محلات شهرها، برای انتخاب می شوند. برای همگان حق رای مساوی وجود دارد هر شهروند افغانستان که بالای ۱۸ سال سن داشته باشد، می تواند انتخاب کند و انتخاب شود. هیچگونه محدودیت ملی، مذهبی یا حزبی در این انتخابات وجود ندارد. نامزدها صرفنظر از موقعیت مادی و اجتماعی شان از حقوق برابر برخوردارند.

ببرک کسارمل دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان طی سخنانی اظهار داشت این انتخابات بر اساس برنامه عمل حزب و اسناد مصوبه کمیته مرکزی و دولت انجام می گیرد. هدف نخست، دفاع از میهن و انقلاب، هدف دوم، رشد و بهبود در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و معنوی زندگی و هدف سوم دمکراسی واقعی است. وی افزود مشارکت نمایندگان همه اقوام و ملیتهای کشور در شوراهای محلی ضرورت دارد.

بنابه تصمیم دولت افغانستان، که با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی بخشهای مختلف کشور اتخاذ شده، انتخابات مرحله به مرحله برگزار خواهد شد. نخستین مرحله در استان کابل انجام گرفت. تا پایان سال جاری، این انتخابات در پنج استان به پایان خواهد رسید که عبارتند از بلخ، بدخشان، کابل، ننگر و نیمروز.

افشای فعالیت ضد افغانی آلمان فدرال

طی یک کنفرانس مطبوعاتی که در کابل برگزار شد، مدارک جدیدی در تایید دخالت مستقیم محافل حاکمه آلمان فدرال در جنگ اعلان نشده امپریالیسم و ارتجاع علیه افغانستان منتشر گردید. در این کنفرانس مطبوعاتی، مقامات افغانی اظهار داشتند اخیرا یک ایستگاه تلویزیونی آلمان فدرال فیلمی را که توسط افرادی به هیأت پزشک، جعل شده بود، نشان داد. این عده، که اهل آلمان فدرال هستند، بطور غیر قانونی و همراه با یک باند ضد انقلابی وارد افغانستان شده بودند. گزارش جعلی آنها، ماهیت کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به افغانستان و نقش واحدهای نیروهای شوروی در این کشور را واژگون جلوه داده است. نویسندگان و "قهرمانان" فیلم، این واقعیت را لاپوشانی کردند که محافل حاکم جمهوری فدرال آلمان و سایر کشورهای ناتو مسئول مستقیم تخریب ۱۸۱۴ مدرسه و ۹۰۴ تعاونی دهقانی و مرگ هزاران شهروند بیگناه افغانی هستند.

در کنفرانس مطبوعاتی کابل، به خبرنگاران نمونه های اسلحه ساخت آلمان فدرال را که در جریان پاکسازی باندهای ضد انقلابی توسط ارتش افغانستان بدست آمده است، نشان دادند. داود کاویان، مدیر کل خبرگزاری باختار در کنفرانس اظهار داشت رهبران انواع و اقسام سازمانهای "اسلامی" که در کشورهای مجاور افغانستان پناه گرفته اند، هربار که به بن پایتخت آلمان فدرال می روند از استقبال بسیار گرم و در صلح عالی برخوردار می شوند.

اجلاس سران عرب به پایان رسید

اجلاس سران کشورهای عربی که بدون شرکت کشورهای ترقیخواه عرب در کازابلانکا (مراکش) برگزار شد، به پایان رسید. روزنامه الجزایری "الشعب" در این باره می نویسد: "نشت اضطراری سران کشورها و دولتهای ملل عرب که در کازابلانکا به کار خود پایان داد، نه تنها نتوانست هیچ نتیجه مثبتی ببار آورد، بلکه علاوه بر این به همبستگی اعراب نیز لطمه وارد آورد." این روزنامه می افزاید اجلاس کازابلانکا اختلافات میان اعراب را، همانگونه که در نظرات مختلف پیرامون موضوعات مورد بحث، به ویژه موافقتنامه اردنی-فلسطینی بازتاب یافت، تشدید نمود. الشعب خاطر نشان می سازد این نکته قابل توجه است که مهمترین بهش مسئله فلسطین، یعنی اشغال این سرزمین توسط اسرائیل و مبارزه فلسطینی ها برای آزادی آن، در کازابلانکا به فراموشی سپرده شد.

روزنامه سوری "الثوره" نیز در این مورد می نویسد که در نشت اخیر تلاش به عمل آمد تا تصمیمات مشترک اتخاذ شده در اجلاس سران عرب، منعقد در سال ۱۹۸۲ در فاس مورد تجدید نظر قرار گیرد. الثوره تاکید می کند کوشش به منظور به تایید رسانیدن موافقتنامه امان در کازابلانکا حرکتی در جهت کشاندن اعراب به مذاکرات جداگانه با اسرائیل و تسلیم در برابر نقشه های آمریکای اسرائیل بود.

عملیات موفقیت آمیز میهن پرستان لبنان

میهن پرستان لبنان دست به چندین فقره عملیات موفقیت آمیز دیگر علیه اشغالگران اسرائیلی زدند. در جریان یکی از این عملیات، ستاد مرکزی "ارتش جنوب لبنان" (مزدوران لبنانی اسرائیل در جنوب لبنان در اطراف شهر مرجعیون مورد حمله قرار گرفت. همچنین مواضع اسرائیلی ها در منطقه جبل الدهر هدف آتش میهن پرستان واقع شد. در یک روستا میان یک دسته از پارتیزانهای لبنانی و یک واحد گشتی اسرائیلی یک درگیری مسلحانه به وقوع پیوست که طی آن اشغالگران، متحمل تلفات سنگین جانی شده و تجهیزات زیادی از دست دادند.

از سوی دیگر، نیروهای اسرائیلی به کمک واحدهای متحدین لبنانی شان به اجرای تاکتیک مرعوب ساختن مردم جنوب لبنان ادامه می دهند. چندین روستا توسط تانکها و توپخانه اسرائیلی ها مورد حمله قرار گرفت. یک روستای بنام ارنون بیش از دو هفته است که در محاصره اشغالگران واقع شده و اسرائیلی ها مردم این روستا را از آب و برق محروم کرده اند.

دستگیری فلسطینی ها در کرانه غربی رود اردن

مقامات اسرائیلی چندین نفر از فعالین دانشجویی دانشگاه فلسطینی نابلس (واقع در کرانه غربی اشغالی رود اردن، را دستگیر کردند. طبق قانون جدید صهیونیستها، این عده به مدت شش ماه در بازداشت خواهند بود و پس از آن، به گفته یک

سخنگوی نظامی از مناطق اشغالی تبعید خواهند شد. دانشگاه نابلس نیز برای مدت نامعلومی تعطیل گردیده است. لازم به یادآوری است که تل آویو اخیرا برای جنبه "قانونی" بخشیدن به اقدامات سرکوبگرانه علیه اعراب، مقرراتی را به تصویب رسانده که طبق آن، دستگیری و بازداشت بدون محاکمه افراد "مشکوک" و تبعید آنها از سرزمینهای اشغالی به بهانه "تهدید امنیت اسرائیل" مجاز است. دولت همچنین دستور تعطیل نشریاتی را که علی رغم سانسور حاکم، از قوانین حکومت نظامی اشغالگران انتقاد می کنند، صادر کرده است. اجرای این قوانین جابرائله، با ساختن زندانهای جدید در سرزمینهای اشغالی عرب همراه است.

تخصیص میلیونها دلار برای ترور و خرابکاری از سوی آمریکا

ریگان رئیس جمهور آمریکا قانونی را امضا کرد که به موجب آن طی دو سال مالی ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷، ۲۵/۴ میلیارد دلار برای کمک نظامی و اقتصادی به سایر کشورها اختصاص خواهد یافت. وی طی سخنانی هنگام امضای این قانون از گنجاندن شدن کمک ایالات متحده به ضد انقلابیون نیکاراگوئه در این قانون اظهار خشنودی نمود. از میان مبالغ یاد شده، ۱۵ میلیون دلار به اشغال افغانی و ۵ میلیون دلار به مرتجعین خمر که علیه کامبوج مستقل فعالیت می کنند، داده خواهد شد.

تل آویو شش میلیارد دلار به اضافه ۱/۵ میلیارد دلار دیگر به عنوان کمک اضطراری اقتصادی دریافت خواهد کرد. واشنگتن از این طریق می کوشد پتانسیل نظامی متحد استراتژیک خود در خاورمیانه را افزایش داده و از فروپاشی اقتصاد اسرائیل که زیر بار سنگین مخارج نظامی کمر خم کرده، جلوگیری نماید.

نگرانی هندوستان از برنامه هسته ای رژیم ضیا الحق

نمایندگان پارلمان هند نگرانی جدی خود را از خرید مخفیانه تجهیزات و اجزای لازم برای ساختن سلاحهای اتمی توسط پاکستان ابراز داشتند. معاون دبیر کل حزب کنکره (ایندیرا) طی سخنانی در مجلس هندوستان گفت هر اثر توطئه مشترک واشنگتن و اسلام آباد، پاکستان اجزا الکترونیکی بمب اتمی را دریافت داشته است. در پاسخ یک سؤال نمایندگان پارلمان، خورشید عالم خان وزیر مشاور در امور خارجه هند نگرانی خود را از این واقعیت که برنامه هسته ای پاکستان از حد یک برنامه مسالمت آمیز بسیار فراتر رفته، ابراز داشت. وی تاکید کرد که دولت هند از اینکه برخی کشورها چشمان خود را بر وی این گام خطرناک پاکستان بسته اند، به شدت نگران است. وی افزود تولید سلاح هسته ای توسط اسلام آباد اوضاع منطقه را مورد تغییر کیفی قرار خواهد داد.

وزیر مشاور در امور خارجه هند گفت دولت هند برنامه هایی برای استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته ای در دست اجرا دارد اما قادر است اقدامات لازم را نیز برای دفاع از امنیت کشور انجام دهد.

سندی که برهواس عظیم رژیم از رشد جنبش کارگری دلالت دارد

سندی که کلیشه آثار در مقابل مشاهده می‌کنید، بسیار معنی‌دار است. وزارت کار و امور اجتماعی از مدیریت کارخانه‌های خواهد که لیست تمامی کارکنان خود را همراه با مشخصات کامل و آدرس دقیق آنها به این وزارتخانه بفرستند. بر روی نامه‌هایی که به این منظور به مدیریت کارخانه‌ها فرستاده شده، مهر "مصرانه" زده شده است.

مسئله لیست کارکنان و کارمندان کارخانه‌ها و "مشخصات کامل و آدرس دقیق آنها" تنها به کار ساواک جمهوری اسلامی (وزارت اطلاعات) می‌آید و شعب این دستگاه تجسس و سرکوب که در ادارات کار مستقر شده‌اند، چنین نامه‌ای را برای مدیریت کارخانه‌های مختلف فرستاده‌اند، تا پیوندهای امنیتی و اطلاعاتی خود را کامل سازند.

این گونه تمهیدات امنیتی بر هراس عظیم رژیم از رشد جنبش کارگری دلالت دارد. تعدد و گستردگی اعتصابات و اعتراضات کارگری، به شدت بر خوف و بیم حکام مارتجع جمهوری اسلامی دامن زده است. آنها تا کنون به انواع شیوه‌ها و حیل‌ها از تهدید و ارباب و

دستگیری و اخراج و نیز به خون کشیدن اعتصابات گرفته تا عوامفریبی‌هایی همچون قضیه فروش سهام کارخانه‌های دولتی به کارگران، تمسک جسته‌اند تا دامنه حرکات کارگری را مهار کنند و حال به فکر برنامه‌های دراز مدت افتاده‌اند، می‌خواهند همه کارگران را شناسایی کنند، برای همه کارخانه‌ها پیونده امنیتی بسازند، به زعم خود بتوانند با اخراج و دستگیری کارگران پیشرو و فعالین سازمانهای انقلابی در تمام کارخانه سکوت و خفقان برقرار سازند. اما آنها خیال باطلی را در سر می‌پروراندند. اکنون جنبش کارگری به حدی توانمند است که رژیم با پیشگیریهای امنیتی نمی‌تواند آنها را تحت کنترل در آورد. همین دست و پا زدنهای رژیم قدرت جنبش کارگری و ضعف حکومت را در برابر آن می‌رساند. رژیم بیهوده گمان می‌برد که با دستگیری کارگران پیشرو خاصه کارگران هوادار سازمان‌ها، می‌تواند جنبش کارگری را فرو نشاند. این جنبش بنیادهای نیرومندی دارد و پرتوانتر از آن است که پیوندهای امنیتی بتواند مانعی در برابر رشد و گسترش بیشتر آن باشد.



خاطره‌هایی جاودانه

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، که چند گزارش پیرامون آن در شماره پیشین "اکثریت" به چاپ رسید، از آنچنان شکوه و گیرایی بیمانندی برخوردار بود که بدون تردید شرکت کنندگان در آن هیچگاه قادر نخواهند شد همه آن تحسین، اعجاب و شوری که در دلشان برانگیخته بازگو کنند. یکی از جوانان فدائی شرکت کننده در این فستیوال بی‌مته، گوشه‌هایی از خاطراتش را به شرحی که می‌خوانید نگاشته و برای ما ارسال کرده است.



اتحاد شوروی و مردم آن تماس مستقیم نداشته‌اند، مشکل بتواند ابعاد آنچه را که "پاسداری از دوستی ملل" نام دارد، در این سرزمین کارگران دریابند.

نخستین دیدار ما در مسکو، تنها نمونه نبود. در این شهر، با افراد بسیاری برخورد کردیم که با علاقه و شوقی وصف ناپذیر، فرهنگ، زبان، سن و ... ملل دیگر، از جمله مردم ایران را می‌کاوند و با آنچنان محبتی از آن سخن می‌گویند که انکار سخن از میهن خودشان است. اصلاً دوستی با ملل دیگر با تار و پود وجود تک تک انسانهای شوروی در آمیخته، و این

بقیه در صفحه ۶

به محض ورود به مسکو، دیدار آموزنده‌ای در انتظار ماست. منظورم دیدار با راهنمایانی است که قرار است طی روزهای اقامت ما در پایتخت کشور شوراهای، شرکت ما در جشنواره را تسهیل کرده و نیز تا آن حدی که طی این مدت کوتاه امکان پذیر است، ما را با مسکو آشناسازند. آنها با خوشرویی و فروتنی ویژه مردم شوروی به ما خوشامد گفتند و در شان حلقه زدیم و گفتگو آغاز شد. صحبت حول ایران و مردمش و سنن و آداب و رسوم ایرانیان متمرکز شد. راهنمایان بهترین بل را برای آغاز دوستی با یک جمع ایرانی برگزیده‌اند. و چه زود این دوستی گل می‌کند! بعد از گذشت مدت کوتاهی، به هم آنقدر نزدیکیم که انگار چندین سال است که یکدیگر را می‌شناسیم. یکی از آنها خود را معرفی می‌کند: "دکترای زبان و ادبیات فارسی. رساله‌ام را درباره زبان بلوچی نوشته‌ام. فعلاً درباره زبان خاص کارگران بلوچی مهاجر در شیخ نشینها تحقیق می‌کنم" کسانی که با

AKSARIYAT
NO.70
MONDAY AUG 19.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY